



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



اسلام

تحقیق، مرکز مطالعات
و پژوهش‌های اسلامی
موسسه علمی

توسعه

مجموعه مقالات علمی و پژوهشی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسلام و توسعه

نویسنده:

محمد جمال خلیلیان

ناشر چاپی:

مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
اسلام و توسعه	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۸
فهرست مطالب	۱۶
مقدمه	۱۹
پیش‌گفتار	۲۴
فصل اول: تعاریف و مباحث زیربنایی	۳۲
اشاره	۳۲
فصل اول: تعاریف و مباحث زیربنایی	۳۴
آیا توسعه ای که جامعه ی غرب ارائه کرده، مورد قبول اسلام است، یا باید تعریف دیگری از توسعه، به خصوص، توسعه ی اقتصادی، برای جامعه ی اسلامی در نظر بگیریم؟	۳۴
چند تعریف از توسعه:	۳۶
تعریف نهایی و مورد نظر، از توسعه:	۳۷
ویژگی های مورد نظر:	۳۷
تعریف نهایی و مورد نظر از توسعه ی اقتصادی	۳۷
توسعه ی اقتصادی در اسلام، یک هدف است یا وسیله؟	۳۸
آیا توسعه ی همراه با تکنولوژی پیش رفته و مدرن، با ارزش های اخلاقی ناسازگار است؟	۴۰
آیا می توان با پای بندی به ارزش های اخلاقی، به توسعه که بر دنیا طلبی، انباشت سرمایه و سودگرایی شخصی استوار است دست یافت؟	۴۲
مبانی فرهنگی لازم برای توسعه ی اقتصادی چیست؟	۴۳
اشاره	۴۳
۱. نگرش علمی، آمادگی برای تغییر و تحوّل و نوآوری.	۴۴
۲. توجه جدی به دنیا و مسائل مادی.	۴۵
۳. تعهد نسبت به کار.	۴۵
۴. نظم پذیری جمعی و احترام به قانون.	۴۶
۵. فرهنگ مشارکت عموم در برنامه ریزی، سیاست‌گذاری و اجرا.	۴۶
۶. احترام به آزادی، اعتقاد به برابری انسان ها و رعایت حقوق دیگران.	۴۷
الگوی توسعه در کشورهای غربی، چه عواقب و پیامدهای منفی و مثبتی را به همراه داشته است؟	۴۷
پیامدهای منفی توسعه با الگوی غرب	۴۹
اشاره	۴۹
۱. تنوّع‌گرایی و لذّت‌طلبی.	۴۹
۲. اسراف و تبذیر در مصرف و نقش تبلیغات.	۵۰
۳. آلودگی محیط زیست.	۵۱

۴. توزیع نابرابر درآمدها و تشدید فقر و گرسنگی در جهان سوّم. ۵۲
- برخی با مطرح کردن تفکر عدم سازش علم با دین، جدایی دین از سیاست (سکولاریزم) را، راه دست یابی به توسعه می دانند؛ علت پیدایش این تفکر چیست و چه ارتباطی با توسعه دارد؟ ۵۳
- ریشه ی تاریخی سکولاریزم ۵۵
- اشاره ۵۵
- فصل دوم: زمینه های اجتماعی و فرهنگی ۶۰
- اشاره ۶۰
- فصل دوّم: زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه ۶۲
- برتری و عزّت جامعه ی اسلامی چه نقشی در جهت دست یابی به توسعه ی مورد نظر اسلام دارد؟ ۶۲
- نظر اسلام نسبت به کار و تلاش به عنوان یکی از عوامل تولید چیست؟ و چه محدودیت هایی برای آن قایل است؟ ۶۵
- منع افراط و تفریط در کار: ۶۸
- ملاحظه می شود که در جوامع اسلامی، امر تولید و نیز سایر عرصه های اقتصادی، از اتقان لازم برخوردار نیست، که این امر، به نحوی به انضباط اقتصادی و تولیدی لطمه می زند؛ توصیه ی اسلام به مسلمانان در این موارد چیست؟ ۶۹
- اهتمام به نظم و انضباط ۷۰
- آثار اقتصادی وجود نظم ۷۱
۱. امکان وفای به تعهدات و قراردادهای. ۷۱
۲. استحکام و استواری امور. ۷۲
۳. برقراری روحیه ی همکاری و دل گرمی در مسئولین اجرا و صاحبان سرمایه. ۷۲
- پیامدهای بی نظمی ۷۲
- فصل سوّم: بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه ۷۵
- اشاره ۷۵
- فصل سوّم: بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه ۷۷
- آیا دیدگاه اسلام نسبت به دنیا و آخرت - که دنیاطلبی را نفی و آخرت گرایی را ترویج می نماید - یکی از موانع رسیدن جوامع اسلامی به توسعه و پیش رفت مادی نیست؟ ۷۷
- از نظر اسلام، کدام دنیاطلبی ممنوع است؟ ۸۲
- شاخص های دنیاطلبی و آخرت خواهی ۸۴
- آیا تأکید بر زهد، قناعت و صرفه جویی، مانع رسیدن به توسعه ی اقتصادی است؟ ۸۷
- توهم ناسازگاری زهد و قناعت با توسعه ۸۸
- زهد و بهره مندی از نعمت ها ۸۸
- رابطه ی زهد و قناعت با توسعه ۹۰
- زهد و قناعت، عامل تسریع توسعه ۹۱
- الگوی مصرف ایده آل از نظر اسلام چه ویژگی هایی دارد؟ ۹۲
- اشاره ۹۲
- الف) خودداری از اسراف و تبذیر. ۹۲
- ب) نکوهش تقتیر و سخت گیری. ۹۳
- ج) دوری از تجمل پرستی و رفاه زدگی. ۹۳

- ۹۵
- ۹۵ الف) رعایت اعتدال، قناعت و قدر کفاف در مصرف.
- ۹۶ ب) انفاقات و رسیدگی به فقرا.
- ۹۷ آیا اعتقاد به قضا و قدر در میان مسلمانان، مانع رسیدن آنان به پیش رفت های مادی نیست؟
- ۹۹ مفهوم دو واژه ی قضا و قدر و حل اشکال
- ۱۰۲ آیا توکل انسان مؤمن و یا جامعه ی ایمانی به خداوند، مانع تلاش و کوشش برای رسیدن به وضعیت بهتر نیست؟
- ۱۰۳ تحلیل و تعریف مفهوم توکل
- ۱۰۶ آیا مفهوم رایج رزق مقسوم و اعتقاد به این که روزی هر کس از پیش تعیین شده است، باعث از دست رفتن انگیزه برای دست یابی به تولید بیش تر و رشد و توسعه نیست؟
- ۱۰۷ معنای رزق و رزاقیت الهی
- ۱۰۸ تضمین رزق و تلاش و کوشش انسان
- ۱۰۹ بررسی روایاتی در بحث
- ۱۱۰ آثار ارزنده ی اعتقاد به رزق مقسوم در فرایند توسعه
- ۱۱۱ آیا اعتقاد به جاودانگی قوانین اسلام، مانع هماهنگی با مقتضیات زمان و رسیدن به پیش رفت های مادی و حرکت در مسیر رشد و ترقی نیست؟
- ۱۱۳ هماهنگی با مقتضیات زمان از نظر اسلام
- ۱۱۴ پاسخ گویی قواعد فقهی به نیازهای هر عصر
- ۱۱۵ اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن
- ۱۱۷ کتابنامه
- ۱۲۲ فهرست مطالب
- ۱۳۰ درباره مرکز

سرشناسه : خلیلیان، محمدجمال

عنوان و نام پدیدآور : اسلام و توسعه / محمدجمال خلیلیان؛ تهیه کننده مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه ی علمیه؛ ویراستاران محمدجواد شریفی، حمیده انصاری

مشخصات نشر : قم: حوزه علمیه قم، مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی، 1381.

مشخصات ظاهری : چهارده، ص 87

شابک : 964-6918-26-33500ریال

یادداشت : کتابنامه: ص.84

موضوع : رشد اقتصادی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

اسلام و اقتصادالف حوزه علمیه قم. مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی. ب.عنوان.

رده بندی کنگره: الف83/خ/2BP230

رده بندی دیویی : 297/4833

کتابخانه ملی ایران: م 81-19264

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام و توسعه

محمد جمال خليليان

تهيه کننده و ناشر:

ص: 2

تهران: خ انقلاب، روبروي دبیرخانه دانشگاه ساختمان امیرکبیر، (کتب جیپی)، طبقه سوم واحد نه، مؤسسه ی فرهنگی دانش و اندیشه

معاصر، تلفن: 6492693

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

ص: 6

تقديم به:

منجي عالم بشریت و عدالت گستر جهان، حضرت بقیة الله مهدي موعود عجل الله فرجه الشريف و ارواح طيبه ي شهداء
انقلاب اسلامي، به ویژه امام شهيدان نائب الامام روح الله الموسوي الخميني بنیانگذار نظام مقدس جمهوري اسلامي ايران و همه ي
جویندگان حقیقت و پویندگان راه تعالي و توسعه ي جامعه ي اسلامي.

ص: 7

مقدمه... هفت

پیش گفتار... ده

فصل اول: تعاریف و مباحث زیربنایی

توسعه از دیدگاه غرب و اسلام... 4

توسعه ی اقتصادی در اسلام، یک هدف یا وسیله؟ .. 8

رابطه ی توسعه با ارزش های اخلاقی ... 10

مبانی فرهنگی توسعه ی اقتصادی ... 13

پیامدهای منفی و مثبت الگوی توسعه در کشورهای غربی ... 17

رابطه ی سکولاریزم با توسعه ... 23

تعریف سکولاریزم ... 25

ریشه های تاریخی سکولاریزم ... 25

ص: 9

فصل دوم: زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه

آیا اسلام موافق توسعه است؟ ... Error! Bookmark not defined.

اهمیت عزت جامعه ی اسلامی ... Error! Bookmark not defined.

نقش عزت طلبی جامعه اسلامی در توسعه ... 32

اهمیت کار و تلاش در اسلام ... 35

منع افراط و تفریط در کار ... 38

توصیه ی اسلام درباره ی تولید اقتصادی ... 39

فصل سوم: بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه

آیا آخرت گرایی مانع توسعه است؟ ... 47

دنیاطلبی ممنوع از نظر اسلام ... 52

شاخص های دنیاطلبی و آخرت خواهی ... 54

آیا تأکید بر زهد و قناعت، مانع توسعه ی اقتصادی است؟ ... 57

زهد و بهره مندی از نعمت ها ... 58

زهد و قناعت عامل تسریع در توسعه ... 61

الگوی مصرف ایده آل از نظر اسلام ... 62

رابطه ی اعتقاد به قضا و قدر با توسعه ... 67

تأثیر توکل به خدا بر تلاش و کوشش و فعالیت های اقتصادی ... 72

تأثیر اعتقاد به رزق مقسوم بر فعالیت های اقتصادی ... 76

رابطه ی اعتقاد به جاودانگی قوانین اسلام با مقتضیات زمان و توسعه ... 81

هماهنگی با مقتضیات زمان از نظر اسلام ... 83

اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن ... 85

1. مفهوم توسعه به معنای مصطلح امروزی، مفهومی نو و مربوط به دهه های اخیر، و از مفاهیم پیچیده و متکثر است؛ و مکاتب گوناگون مدرنیسم، پست مدرنیسم و... با عنایت به زیر ساخت های فلسفی، معرفت شناختی، انسان شناختی و... به تعریف آن پرداخته اند. زیر ساخت ها و بنیادهای فکری اسلام نیز می تواند دیدگاه خود را نسبت به این مفهوم جدید، ظاهر سازد.

2. نظام جمهوری اسلامی ایران، وقتی می تواند به صورت عینی از جامعیت اسلام دفاع کند که پاسخ گوی نیازهای امروز جامعه باشد و با برنامه ریزی و سازمان دهی به توسعه ی همراه با سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. عینیت بخشیدن به این ارمان مهم، به حل چالش های فکری و اعتقادی در زمینه ی توسعه یافتگی بستگی دارد.

3. دانشمندان و اسلام شناسان، برای ایجاد نزدیکی مفهوم جدید توسعه با اسلام، باید به سراغ مفاهیمی همچون: عمران، احیای زمین، تعلیم و تربیت نیروهای انسانی،

سرمایه گذاری، کشاورزی، صنعت، تجارت، آبادی شهرها، توزیع عادلانه ی ثروت، امنیت، وحدت اجتماعی و غیره بروند و از ترابط آنها، به دیدگاه اسلام در باب توسعه دست یازند.

4. جامعه ی توسعه یافته، بدون انسان شایسته، محقق نمی شود؛ زیرا انسان شناسی، سنگ بنای علوم اجتماعی و انسانی است. هر نظریه ی انسان شناسانه ای می تواند بر توسعه ی جامعه تأثیر منفی یا مثبت بگذارد.

5. اسلام شناسان، برای دریافت دیدگاه اسلام در باب توسعه، باید نگاهی جامع بر منابع دینی داشته، نظر اسلام را نسبت به تمام شاخص های توسعه بررسی نمایند، تا تفسیر صحیحی از توسعه ارائه دهند؛ و برای شناخت صحیح معانی آیات و روایات، روشمندان عمل نمایند و از پیش فرض های تحمیلی پرهیز کنند؛ البته توجه به پرسش های جدید و دریافت مفاهیم نواز متون دینی کاملاً بجاست.

6. توسعه باید در راستای رشد معنوی، الهی و تقرب جامعه به سوی حق تعالی انجام گیرد و نباید همانند جوامع غربی خالی از اخلاق، تربیت، معنویت و حیات طیبه باشد؛ به عبارت دیگر، سیاست مداران کشور، باید هدف های سیاست توسعه را دنبال نمایند که مهم ترین آنها عبارت اند از: توسعه ی منابع انسانی، گسترش تولیدات مفید، بهبود کیفیت زندگی، توسعه ی متوازن، کاهش وابستگی به جهان خارج، تقویت توسعه ی یکپارچه، همخوانی و همراهی توسعه با عدالت اجتماعی اسلام.

7. برخی از روشن فکران، پاره ای از عقاید مسلمانان را، باعث عقب ماندگی و توسعه نیافتگی آنها دانسته اند؛ غافل از این که قرن ها، جوامع اسلامی با وجود همین عقاید دینی از توسعه ی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و الایی برخوردار بودند.

پس تن پروري، عياشي، خوش گذراني، وقت كشي، بيهوده زيستي، عدم وجدان كاري، استعداد كشي، فرار مغزها به خارج، ناكارآمدي برخي از مديران و بي توجهي به دستاوردهاي جديد علمي را كه از مهم ترين عوامل توسعه نيافتگي است، نبايد به نام دين ثبت كرد.

اهتمام اسلام به علم، تأكيد بر كار و كوشش، اتقان و استواري در كارها، اهتمام به نظم و انضباط، عزت و سربلندي جامعه ي اسلامي و ... از مفاهيم سازنده ي توسعه در اسلام مي باشند و مفاهيمي مانند اعتقاد به معاد، نكوهش دنياطلبي، اعتقاد به قضا و قدر، توكل، زهد، قناعت و ... با تفسير صحيح آنها، هيچ گونه ناسازگاري با توسعه ندارد.

8. نوشتار حاضر، پژوهشي است كه توسط فاضل ارجمند، جناب حجت الاسلام آقاي خليليان به انجام رسيده است. در اين پژوهش به مفهوم و انواع توسعه و پرسش هاي متعددي در اين زمينه پرداخته شده است.

در پايان از همه ي دست اندركاران مركز كه در سامان دهی این اثر ارزش مند تلاش نموده اند سپاس گزارى مي كنم، به ويژه از جناب آقاي محمد رضا باقرزاده مدير محترم گروه حقوق و سياست و نيز آقايمان: سيد محمد علي داعي نژاد، حميد كريمي، صدرالسادات، سيد مصطفي آل غفور و خصوصاً رياست محترم مركز مديريت و مركز مطالعات و پژوهش هاي فرهنگي حوزه ي علميه.

توسعه از واژه‌هایی است که در ادبیات اقتصادی کشورهای جهان سوم، رواج شایانی داشته و در نیم قرن اخیر، به عنوان هدفی مهم و ارزشمند قلمداد گردیده است. بدیهی است که توسعه اقتصادی همراه با پیش‌رفت علم و تکنولوژی، برای افزایش کمی و کیفی تولیدات و خدمات در جهت تسهیل زندگی مادی بشر، زدودن فقر و محرومیت و بیکاری و رسیدن به آسایش و آرامش خاطر برای جوامع امری مطلوب است و برنامه ریزی و تلاش برای دست‌یابی به آن ضرورت دارد و مورد تأکید اسلام نیز می‌باشد؛ ولی با توجه به نظام اقتصادی اسلام، آیا به این حد می‌توان اکتفا کرد و آن را هدف نهایی قرار داد؟

در نظام سرمایه‌داری فعلی، که اکنون بر بیش از نیمی از کره زمین حاکم است، توسعه، چیزی جز تحولات سازنده در شیوه‌های تولید نیست و برای اندازه‌گیری رشد و توسعه‌ی جوامع، باید به دنبال شاخص‌های اندازه‌گیری میزان تولید جامعه

بود؛⁽¹⁾ و برای شکوفایی اقتصاد، رشد مصرف، همگام با افزایش تولید توصیه می‌گردد. در نتیجه، برای توسعه‌ی بازار مصرف و تنوع بخشیدن به تمایلات و خواسته‌های مادی انسان‌ها، باید از شیوه‌های مختلف، به ویژه تبلیغات وسیع و گسترده، برای ایجاد میل کاذب به مصرف، بهره‌جست و نظام فرهنگی و اجتماعی باید در خدمت نظام اقتصادی قرار گیرد تا او را به مصرف بیش‌تر، راغب و نیازمند سازد. زیربنای تنظیم اصول و روش‌های اقتصاد سرمایه‌داری، صرفاً براساس تقویت انگیزه‌ی مادی بشر است؛ لذا هدف اصلی و نهایی، رشد اقتصادی و رفاه انسان‌هاست.

در حالی که، از نظر اسلام، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی، ابزاری برای رشد و تعالی اخلاق و کمالات انسانی و آزادی از تعلقات نفسانی می‌باشد؛ در تفکر اسلامی، انگیزه‌ی سودطلبی و حداکثر نمودن مطلوبیت‌ها و لذایذ مادی نمی‌تواند هدف اصلی و نهایی تلاش و کوشش انسان قلمداد گردد؛ بلکه اسلام با پذیرش کسب سود و لذت‌های مادی از راه‌های مشروع، انسان را محور توسعه، و رشد و تعالی مادی و معنوی را هدف آن قرار می‌دهد؛ لذا مهم‌ترین هدف بعثت انبیای الهی، تعلیم و تربیت بشر در جهت رشد و تکامل مکارم اخلاقی اوست، تا انسان با عقل، تفکر، اراده و اختیار، قدر و منزلت خود را در نظام خلقت، بهتر بشناسد و با انتخاب بهترین و کوتاه‌ترین مسیر، استعدادها و خلاقیت‌های خود را شکوفا سازد؛ لذا فرهنگ اسلامی با تأکید بر عناصری همچون: اهتمام نسبت به کسب علم و دانش، کار و

ص: 17

1- . البتّه در دهه‌ی اخیر، علاوه بر شاخص‌هایی چون: تولید ملی و درآمد سرانه، شاخص توسعه‌ی انسانی یا HDI (Human Development Index) که یک شاخص ترکیبی و بیانگر میزان درآمد سرانه، امید به زندگی در بدو تولّد و میزان باسوادی افراد جامعه است، بیش‌تر ملاک سنجش توسعه‌ی جوامع قرار گرفته است.

تلاش، نظم و انضباط، انجام صحیح و استوار کارها و کسب عزت و سربلندی جامعه‌ی اسلامی، زمینه‌های لازم و مناسب را برای پیمودن مسیر توسعه‌ی مورد نظر خود، به وجود آورده است.

در این نوشتار، هر یک از عناوین مذکور، به طور جداگانه و با استناد به آیات و روایات، مورد بحث قرار گرفته است. در اینجا ممکن است این سؤال مطرح گردد که با وجود این که اسلام دارای فرهنگی غنی، پویا و حرکت آفرین است، چرا اکثر کشورهای اسلامی در زمره‌ی کشورهای توسعه نیافته و عقب مانده قرار دارند؟

در پاسخ به این سؤال، توجه به دو نکته، لازم به نظر می‌رسد:

1. بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ حاکم بر جوامع اسلامی فرق است؛ اولی، مبین ارزش‌ها، عقاید، آداب و رسوم و عاداتی است که از وحی الهی و سخن پیشوایان معصوم الهام گرفته، ولی فرهنگ حاکم بر جوامع اسلامی، آمیخته‌ای از فرهنگ اصیل اسلام و برداشت‌های غلط و انحرافی و گاهی همراه با برخی خرافات است؛ بنابراین، اگر برداشت غلط و آمیخته با خرافات، در میان افراد جامعه رایج گردد، نباید آن را به حساب اسلام و فرهنگ اسلامی بگذاریم. (1)

ص: 18

1- ادعای ما این نیست که اسلام برای رسیدن به توسعه، راه حل سریع و یک شبه ارائه می‌دهد و یا برای رفع عقب ماندگی، داروی سحرآمیز معرفی می‌کند، بلکه با استناد به دست‌آوردهای چند قرن اول تمدن اسلامی، بر این امر تأکید می‌ورزیم که اسلام، نگرشی همه‌جانبه و فراگیر به مسائل مربوط به انسان و توسعه و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی دارد و قواعد و ضوابطی جامع و دقیق، فراروی انسان قرار می‌دهد و بر ارزش‌هایی اهتمام دارد که انسان را قادر می‌سازد با استناد به نظرات مجتهدین جامع‌الشرایط و آگاه به زمان، زمینه‌های قانونی لازم را برای حرکت در مسیر توسعه‌ی مطلوب و مورد نظر اسلام ایجاد نماید. اصول اسلام، تصویری زنده و گویا از جامعه‌ی مطلوبی است که هر انسانی که به راستی می‌خواهد وجودش دارای معنی و مفهوم و زندگی‌اش ارزشمند باشد، طالب آن است، مشروط بر این که با تمسک به قرآن و عترت، شناخت صحیحی از معارف اسلامی داشته باشد.

2. ممکن است برداشت ما از فرهنگ اسلامی، صحیح و از منابع معتبر و موثق باشد، ولی در به کار بستن آن، اغراض و منافع شخصی یا گروهی را دخالت دهیم و در مرحله ی عمل، به دنبال ثروت اندوزی، کسب موقعیت و مقام یا حفظ آن عنوان و شهرت بوده، توجهی به مصالح جامعه و نظام اسلامی نداشته باشیم؛ در اینجا نیز نباید عملکرد خود را به پای اسلام بگذاریم.

البته ناگفته نماند که وضعیت فعلی جامعه ی ما با وضعیت مطلوبی که یک نظام اسلامی از نظر اقتصادی و فرهنگی باید ایجاد نماید، فاصله ی زیادی دارد؛ لیکن با این که نهادها و سازمان های بین المللی و حتی دشمنان نظام اسلامی، برخی پیش رفت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی را از نظر کسب استقلال سیاسی، بهبود وضع آموزش و بهداشت و غیره را می پذیرند، ولی برخی از افراد جاهل و یا مغرض، - به عللی که اکنون جای بحث آن نیست - سعی می کنند وضعیت جامعه ی اسلامی را بدتر از رژیم گذشته جلوه دهند. افراد مذکور اگر با انصاف به جوامع غربی توجه نمایند در می یابند که با وجود پیش رفت در علم و تکنولوژی، به خاطر سیر قهقراپی در مسائل اخلاقی و معنوی، با مشکلات اجتماعی فراوانی روبه رو هستند، به طوری که بسیاری از افراد در این جوامع با اضطراب روحی مواجه اند و با احساس پوچی و بی هدفی در زندگی، گم شده ی حقیقی خود را - که با یاد او، دل ها آرام می گیرد - در زندگی ماشینی نمی یابند؛ لذا آمار قتل،

جنایت، سرقت، فساد و فحشا و مبتلایان به بیماری های مربوط به اعصاب و روان، روز به روز افزایش یافته و با سست شدن بنیان خانواده، بیماری چون ایدز، مانند کابوسی مرگ بار در مقابل بشر، پدیدار گشته است. پس آنها نیز به مدینه ی فاضله ی مورد نظر خود دست نیافته اند؛ بنابراین، تقلید کورکورانه از آنان برای ما نه مطلوب است و نه ممکن.

مطلب مهم دیگر این که: همراه با رشد و پیش رفت علم و تکنولوژی، حفظ استقلال و عزت برای جامعه ی اسلامی، و حاکم شدن ارزش های اخلاقی و فرهنگ دینی در جامعه، از نظر اسلام، اهمیت به سزایی دارد؛ چون توسعه ی بدون اعتقاد، ایمان و اخلاق، انسان را حریص تر، چپاولگرتر و متجاوزتر به جامعه تحویل می دهد؛ و رسیدن به توسعه همراه با وابستگی و اتکا به کشورهای پیش رفته، استقلال و عزت را از جامعه می گیرد و چنین توسعه ای نه تنها مطلوب و ارزشمند نبوده، بلکه همواره در معرض خطر فروپاشی است.

نوشته ی حاضر که به صورت بیست پرسش و پاسخ تنظیم گردیده، تلاشی است در جهت تبیین واژه هایی از فرهنگ اصیل اسلام، که زمینه ساز رسیدن جامعه ی اسلامی به توسعه ی اقتصادی می باشد و از جهت دیگر، شبهات و اشکالات مطرح شده در برخی نوشته ها و سخن رانی ها را، درباره ی ناسازگاری بخشی از فرهنگ و معارف اسلامی با توسعه، پاسخ می دهد. در این بخش، مقولاتی چون: دنیا طلبی و آخرت خواهی، توکل، رزق مقسوم (روزی معین و معلوم)، قضا و قدر، قوانین اسلام و مقتضیات زمان، مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

بر خود لازم می دانم از همه ی اساتید معظم حوزه و دانشگاه، به ویژه استاد فرزانه، حضرت آیت الله مصباح یزدی و جناب آقای دکتر پرویز داودی و دکتر

مرتضی قره باغیان و حجج اسلام، آقایان: غلامرضا مصباحی و حسن آقا نظری که از ارشادات و راه نمایی های آنان در تدوین این مجموعه بهره مند بودم، تشکر و قدردانی نمایم و از نظرات همه ی صاحب نظران در رفع کاستی های موجود در این نوشته استقبال می نمایم.

محمد جمال خلیلیان

ص: 21

فصل اول: تعاریف و مباحث زیربنایی

اشاره

ص: 2

فصل اول: تعاریف و مباحث زیربنایی

آیا توسعه ای که جامعه ی غرب ارائه کرده، مورد قبول اسلام است، یا باید تعریف دیگری از توسعه، به خصوص، توسعه ی اقتصادی، برای جامعه ی اسلامی در نظر بگیریم؟

توسعه به معنای جامع، به عنوان فرایند پیچیده ای که رشد کمی و کیفی تولیدات و خدمات، همراه با بهبود سطح زندگی، تعدیل درآمد و زدودن فقر و محرومیت و بی کاری، تأمین رفاه همگانی و رشد علمی را در یک جامعه مدّ نظر دارد، برای همه ی جوامع امری مطلوب است که برای رسیدن به آن، برنامه ریزی و تلاش می نمایند.

توسعه ی مورد نظر و تأیید اسلام، گرچه وجوه مشترکی با فرآیند توسعه در جهان غرب دارد، ولی از جهت انگیزه و هدف نهایی، بر یکدیگر منطبق نیستند؛ زیرا از نظر اسلام، توسعه ای ارزشمند است که در آن همه ی امکانات جامعه در جهت

احیای ارزش های پذیرفته شده به کار گرفته شود؛ به طوری که افراد جامعه بتوانند با اراده و اختیار خود و بهره گیری از نیروهای درونی و امکانات موجود، در جهت تکامل و اعتلای مادی و معنوی جامعه حرکت نمایند.

در حال حاضر، پدیده ی توسعه یافتگی در کشورهای پیش رفته گرچه پیامدهای مثبت و آثار ارزنده ای در جهت رفاه و آسایش انسان به ارمغان آورده است، ولی ملاحظه می گردد که در کشورهای مذکور، نرخ فساد، فحشا و جرایم، روز به روز در حال افزایش است، بیمارستان های زیادی از بیماران روانی پر شده اند؛ به طوری که اکنون در امریکا، پردرآمدترین پزشکان، متخصصین اعصاب و روان اند و داروهای مربوطه از پرمصرف ترین داروهاست و در برخی مناطق، دانش آموزان برای رفتن به مدرسه، امنیت ندارند و پلیس باید از آنها مواظبت نماید.

بدیهی است در چنین وضعیتی، هر چند شاخص های توسعه در حد بالا و ایده آلی باشد؛ ولی نمی توان ادعا کرد که توسعه به معنای جامع و واقعی، در این جوامع تحقق یافته و آنها در زندگی مادی خود، صددرصد خوش بخت و سعادتمند هستند؛ بنابراین، توسعه با مدل غربی را نمی توان بدون تأمل در نقاط ضعف و قوت، شرایط متفاوت جوامع مختلف و امکانات موجود هر جامعه پذیرفت و به تقلید کورکورانه از آن پرداخت. با عنایت به جنبه های انسانی توسعه باید پیش رفت در زمینه ی مسائل اخلاقی و معنوی جامعه، که مؤثرترین عامل ایجاد آرامش روح و روان بشر است، مدّ نظر قرار گیرد؛ این مهم، تنها در سایه ی پای بندی به دین، و شناخت صحیح آن امکان پذیر است؛ یعنی دستورها و معارف دینی که بیانگر برنامه ی صحیح زندگی فردی و اجتماعی و تأمین کننده ی سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت انسان است، به طور جامع و صحیح شناخته و به کار بسته شود. البته اگر کسی مسئله ای انحرافی و خرافی را جزء دین بداند، ممکن است در این صورت تصور نماید که بین دین و توسعه، مغایرت و تعارض وجود دارد.

فریدمن می گوید: توسعه، یک روند خلاق و نوآور در جهت ایجاد تغییرات زیر بنایی، در سیستم اجتماعی است. (1)

مایکل تودارو می گوید: توسعه، جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی، باورهای عامه ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری ها و ریشه کن کردن فقر مطلق است. (2)

چارلز کیندل برگر می گوید: توسعه ی اقتصادی بر مبنای تولید بیش تر و پدید آمدن تحول در چگونگی تولید و بر تجدیدنظر در تخصیص منابع و نیروی کار به شعبه های مختلف تولید استوار است. (3)

تعریف دیگر: توسعه، فرایندی است که تولید با استفاده از ابزارهای پیش رفته ی جدید، از وضعیت سنتی به روش نوین، متحول گردیده، انسان ها تخصص و مهارت لازم و فرهنگ مناسب با توسعه را کسب کرده و روند انباشت و به کارگیری سرمایه در جامعه، همراه با مدیریتی کارا و با ثبات تحقق یافته باشد. (4)

همان طور که ملاحظه می شود، اقتصاددانان، غالباً توسعه را بر اساس تأمین نیازهای مادی بشر تعریف کرده اند که به نظر می رسد این گونه تعاریف ناقص می باشد.

ص: 6

- 1- . مرتضی قره باغیان، اقتصاد رشد و توسعه، ج 1، ص 7.
- 2- . مایکل تودارو، توسعه ی اقتصادی در جهان سوم، ترجمه ی غلامعلی فرجادی، ج 1، ص 135-136.
- 3- . چارلز کیندل برگر، توسعه ی اقتصادی، ترجمه ی رضا صدقی، ج 1، ص 70.
- 4- . حسین عظیمی، مدارهای توسعه نیافتنی در اقتصاد ایران، ص 176-177.

تعریف نهایی و مورد نظر، از توسعه:

توسعه، فرایندی است که زمینه‌ی شکوفایی استعدادهاي گوناگون انسان را فراهم می‌سازد و در این فرایند، با استفاده‌ی بهینه از منابع مختلف بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی، هماهنگ با تأمین دیگر خواسته‌های اصیل انسان فراهم می‌آید و در نتیجه، افراد جامعه، در این فرایند، مسیر تکاملی شایسته‌ی خود را می‌پیمایند.

ویژگی‌های مورد نظر:

1. توسعه، فراهم‌کننده‌ی زمینه‌ی شکوفایی استعدادهاي همه‌ی افراد جامعه می‌باشد و بدیهی است که چنین زمینه‌ی بدون برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر به وجود نمی‌آید؛
2. در این فرایند، تأمین خواسته‌های مادی و معنوی (جسمی و روحی) انسان و رشد و تعالی فرد و جامعه در کنار یکدیگر مطرح است؛
3. توسعه، فرایندی جهت‌دار است و هدف نهایی از آن، رسیدن انسان به کمال نهایی شایسته‌ی مقام اوست که در جهان بینی و فرهنگ اسلامی، کمال نهایی انسان، قرب الی‌الله به عنوان هستی‌بخش همه‌ی موجودات و سرچشمه‌ی تمام کمالات می‌باشد و با شکوفایی شدن و به فعلیت رسیدن کلیه‌ی استعدادهاي درونی انسان، تحقق می‌یابد.

تعریف نهایی و مورد نظر از توسعه‌ی اقتصادی

توسعه‌ی اقتصادی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که در آن انسان به گونه‌ای تربیت شود که با تسلط بر تکنولوژی مدرن و استفاده‌ی بهینه از منابع، توان برنامه‌ریزی جامع، جهت تأمین رفاه جامعه را داشته و زمینه‌ی مناسب برای نیل به کمالات انسانی برای همگان فراهم باشد.

توسعه ي اقتصادي در اسلام، يك هدف است يا وسيله؟

امروزه، كسي مخالف توسعه به معنای بهبود وضع رفاهي مردم نیست، بلکه بحث در این است که، آیا رفاه مادي، منتهای سیر و تلاش انسان و هدف نهایی اوست؟

اگر ما قبل از هر چیز، مسائلي از قبیل هدف خلقت و آفرینش انسان، تعریف خوشبختي و سعادت او و جایگاه آدمي در نظام خلقت را برای خود حل کنیم، درمي یابیم که توسعه ي اقتصادي، هدف نهایی و اصیل انسان در این جهان نمی باشد و در يك نظام اسلامي، اساساً رشد و توسعه، به طور مطلق، هدف نهایی نیست، بلکه به عنوان هدفی متوسط، یعنی وسیله و ابزاری در راه رسیدن انسان به فضایل و مکارم اخلاقي و پیمودن مسیر قرب الي الله به کار گرفته مي شود. تأمین رفاه مادي انسان در حدّ معقول، مقدمه اي برای جهت مذکور مي باشد. خداوند متعال در قرآن کریم مي فرماید:

... وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (1)؛ خداوند شما را از نعمت های پاکیزه بهره مند ساخت تا (با استفاده ي صحیح و به جا) سپاس گزار به درگاه الهی باشید.

در سوره ي قصص آمده است:

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا... (2)؛ با آنچه خداوند به تو عنایت کرده است، خانه ي آخرت را طلب نما و نصیب خود را از دنیا فراموش نکن...

ص: 8

1- . سوره ي انفال (8)، آیه ي 26.

2- . سوره ي قصص (28)، آیه ي 77.

پس تأمین نیازهای مادی و بهره مندی از نعمت های الهی، گرچه از دیدگاه اسلام امری لازم و مطلوب است، ولی باید از آن به عنوان وسیله ی تکامل معنوی بشر استفاده نمود.

خلاصه این که: در توسعه، به خصوص توسعه ی اقتصادی، امکانات مادی و تسهیلات رشد و کمال برای افراد جامعه فراهم می شود و این همان مدینه ی فاضله ای است که در آن ظلم و بهره کشی، جهالت و سایر پدیده های مخالف فطرت و تکامل جامعه وجود ندارد و سیر همه ی امور به سوی کمال مطلق است.

بدین ترتیب، در دنیای امروز، کشوری که به توسعه ی کامل و همه جانبه رسیده باشد وجود ندارد،⁽¹⁾ ولی افراد مسلمان در یک جامعه ی اسلامی، با توجه به بینشی که با الهام از آیات قرآنی و سخنان پیشوایان معصوم نسبت به دنیا و امکانات موجود در آن به دست می آورند، قادر به حرکت در جهت رشد و تعالی مادی و معنوی جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به دیگران هستند.

ما این دید ابزاری به دنیا و نعمت های آن را به خوبی می توانیم از روایات ائمه طاهرین بدست آوریم؛ به عنوان نمونه، امام باقر(ع) در یکی از دعاهای خود می فرماید:

اسئلك اللهم الرفاهية في معيشتي ما ابقيتني معيشة اتوي بها علي طاعتك و ابلغ بها رضوانك... ؛ پروردگارا؛ در زندگی ام آن چنان رفاهی قرار ده که با آن بر اطاعت و بندگی تو توانا باشم و خشنودی و رضایت تو را به دست آورم.

ص: 9

1- . عباس حاج فتحعلي ها، توسعه ی تکنولوژی، ص 10.

آیا توسعه ی همراه با تکنولوژی پیش رفته و مدرن، با ارزش های اخلاقی ناسازگار است؟

در جهان بینی اسلامی، پیمودن مسیر توسعه هدف نهایی سیر انسان نیست؛ اما دست یابی به آن مطلوب و ارزشمند و در شرایط کنونی جهان، امری لازم است؛ لذا در مقایسه با هدف نهایی، به عنوان هدفی متوسط و به منزله ی وسیله و ابزاری برای رسیدن به مقصود نهایی، یعنی سیر الی الله مطرح می باشد.

حال با توجه به این که توسعه در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، بدون رشد و رشد نیز بدون استفاده از تکنولوژی مدرن، تحقق نمی یابد، در اینجا درباره ی رابطه ی بین تکنولوژی و ارزش های فرهنگی و اخلاقی سؤال بالا مطرح می گردد.

به طور کلی جهان بینی و اعتقادات مذهبی افراد یا به عبارت دیگر، ارزش ها و باورهای دینی و فرهنگی حاکم بر جامعه، نقش تعیین کننده ای بر رفتار اقتصادی آنان در روند توسعه و میزان آن دارد. قایلین به تضاد و ناسازگاری بین توسعه و ارزش های اخلاقی، سودگرایی شخصی و انباشت سرمایه را مبنای توسعه می دانند. براساس تحلیل جامعه شناس معروف آلمانی، ماکس وبر، بدون این شرایط، دست یابی به توسعه ناممکن است؛ در حالی که ارزش های دینی و اخلاقی، بر دیگر خواهی، جمع گرایی، آخرت گرایی، خدمت به دیگران و ایثار، مبتنی است.

تحلیل و بررسی مطلب:

بدون شك، توسعه با يك سلسله تغییرات اجتماعی همراه است و گذر از جوامع سنتی به جامعه ای پیش رفته و مدرن، بدون تغییرات مذکور ممکن نیست؛ زیرا توسعه بدون رشد و رشد بدون ورود تکنولوژی، امکان پذیر نیست و ورود تکنولوژی دگرگونی هایی را می طلبد.

در این مرحله باید به تغییر ساختاری و تحولات فرهنگی توجه نمود. این تغییر، همان مدرنیسم یا مدرنیته است، و بیشترین انتقاد از توسعه، متوجه همین تغییرات است نه خود توسعه.

اهم این تغییرات، به طور فهرست وار عبارت اند از: تغییر در قشر بنده اجتماعی، تمرکز سیاسی، رواج بوروکراسی در سازمان های اجتماعی، رشد شهرنشینی مدرن، تکثر یا تنوع فرهنگی، افزایش پریشانی، ناامنی و نابهنجاری های اجتماعی و افزایش نسبت فرهنگی. جامعه شناسان همه ی این عواقب را، صددرصد، اجتناب ناپذیر نمی دانند؛ لذا برخی از دانشمندان غربی اذعان دارند، توسعه ای که در ژاپن اتفاق افتاد با تعاریف تجدّد در غرب یکسان نیست؛ بلکه بسیاری از ارزش های سنتی ژاپن، حفظ شده است. (1)

اگر کشوری بدون جذب دانش فنی، تکنولوژی را وارد کند، مسلماً اثرات منفی چنین روندی بیش تر از زمانی است که تکنولوژی فوق در دسترس نباشد؛ زیرا ورود این نوع تکنولوژی، باعث ورود الگوها، ارزش ها و گرایش های نامناسب بیگانه و نیز سلب روح خود اتکایی و اعتماد به نفس می شود. حاصل این که در پاسخ به سؤال مورد بحث باید به سه نکته توجه نماییم:

1. تکنولوژی و رشد اقتصادی متعاقب آن ذاتاً فسادآور نیست، گرچه با توجه به واقعیت ها و طبیعت آدمی - اگر انسان تحت کنترل و هدایت ارزش های معنوی قرار نگیرد - ممکن است پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد که ناشی از حرص و طمع و جاه طلبی و سودجویی مفرط انسان است.

ص: 11

1- . محمود محمدی عراقی، مجموعه ی مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه، ص 423، 419.

2. رشد تکنولوژی، زمینه های فرهنگی خاص خود را می طلبد؛ که بعضی از این زمینه ها در همه ی جوامع، مشترک و برخی از آنها متفاوت اند و چنین نیست که تکنولوژی و رشد اقتصادی، حتماً نتیجه ی زمینه ی فرهنگی خاصی باشد؛ مثلاً، جامعه ی ژاپن با حفظ فرهنگ سنتی خود، به سطح بالایی از رشد تکنولوژی و پیش رفت صنعت در جهان امروز دست یافته است؛ بنابراین، رشد تکنولوژی ضرورتاً مستلزم رها کردن عناصر ارزشمند و فرهنگ سنتی نیست.

3. تکنولوژی و رشد اقتصادی، پیامدهای فرهنگی خاصی دارد، ولی این پیامدها جبری نیست و بیش تر جنبه ی ساختاری دارد و با تأثیر از عوامل فرهنگی و اجتماعی گوناگون، صورت های مختلفی پیدا می کند؛ بنابراین، با فرهنگ غنی می توان ابعاد مختلف سودگرایی و تفکر مادی محض، خودخواهی و دنیاپرستی را تحت تأثیر قرار داد.

آیا می توان با پای بندی به ارزش های اخلاقی، به توسعه که بر دنیا طلبی، انباشت سرمایه و سودگرایی شخصی استوار است دست یافت؟

بزرگ ترین هنر اسلام و مکتب های الهی، معرفی و پرورش انسان کامل و جامعه ی ایده آل است. نگرش يك انسان مکتبی به امکانات مادی، تحت تأثیر ضوابط و مبانی ارزشی قرار دارد و او از سرمایه های مادی و انسانی، در چارچوب این ضوابط و مبانی استفاده می نماید. اسلام با دیدگاه اجتماعی اش، ما را به جای من می گذارد و با به تصویر کشیدن اهداف و آرمان های متعالی، انسانی را که به طور طبیعی خودش را دوست می دارد، به طرف دیگرخواهی و خیرخواهی سوق می دهد. اسلام با واقع بینی و توجه به خصلت حب ذات در انسان، با نزدیک کردن او به خدا

در خود او تغییر ایجاد می‌کند؛ یعنی می‌گوید: ای انسان تو برای خودت کار کن، اما رشد و کمال خود را در جهت قرب الی‌الله و به دست آوردن خشنودی حق تعالی جستجو کن؛ در حالی که ماکس وبر و هم‌فکران او در جمع بین مادیت و معنویت، به مشکل جدی برخورد می‌کنند. (1)

آنچه اکنون به وضوح قابل مشاهده است این است که، جهان سوم که با شور و شعف به سوی توسعه یافتگی قدم برداشته، به دو دلیل، با موجی از مشکلات روبه‌رو شده است یکی این که، پیش‌نیازهای توسعه را در خود ایجاد نکرده بود و دیگر این که، فکر رفاه‌طلبی و مصرف‌گرایی در دوران استعمار در اذهان مردم کشورهای مستعمره، رسوخ کرده بود؛ لذا آنها به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند الگوی توسعه‌ی کشورهای دیگر را به دلیل مبانی فرهنگی خاص خود در کشورشان به کار گیرند. (2) اما براساس جهان‌بینی اسلامی و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر فرهنگ آن، توسعه‌ای که هدفش تعالی روح بشر باشد مطلوب است، و این تعالی، به پرهیز از ثروت‌اندوزی، منع اسراف و تبذیر و پیروی از یک الگوی متعادل مصرف، بستگی دارد نه به رشد اقتصادی صرف.

مبانی فرهنگی لازم برای توسعه‌ی اقتصادی چیست؟

اشاره

کشورهای موفق در امر توسعه‌ی تکنولوژی، به ویژه مراحل پیش‌رفته‌ی آن، بدون رویارویی و هدایت فرهنگ عمومی توان رسیدن به چنین مرحله‌ای را نداشتند، در واقع این کشورها، یا از قبل بستری مناسب و مملو از عناصر سازگار با توسعه در

ص: 13

1- . همان، ص 425، 432.

2- . مرتضی‌آوینی، توسعه و مبانی تمدن غرب، ص 5 - 6.

فرهنگ خود داشته اند و یا با برخوردی خردمندانه و دورنگر، این بستر را برای تحقق خود اتکایی در تکنولوژی آماده ساخته اند. برخی از این عناصر از اهمیت و حساسیت بیش تری برخوردارند و برخی فقط تسهیل کننده ی امر توسعه هستند که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

1. نگرش علمی، آمادگی برای تغییر و تحوّل و نوآوری.

جوامع غربی، به صورت یک باور فرهنگی، به علم و کارایی آن معتقد گردیده، برای حل مشکلات، از متخصصین مربوط به هر رشته استفاده نمودند. و به این نتیجه رسیدند که اگر بخواهند مشکلی را بدون علم و تخصص حل کنند دچار حیرت و خطا خواهند شد. به عبارت دیگر، در فرهنگ جامعه، اعتقاد به قانونمند و قابل پیش بینی بودن امور، غلبه یافت و از بینش های خرافی همراه با عقیده به شانس و تصادف که افراد را نامنظم و غیر مسؤول بار آورده، احیاناً به سوی تنبلی و ایده ی جبرگرایي سوق می دهد، پرهیز گردید. در جوامع پیش رفته، روحیه ی استقبال از تغییرپذیری و گرایش به پویا و نوآوری، یک ارزش محسوب می شود. کشورهای توسعه یافته این وظیفه را بر عهده ی نظام آموزشی خود قرار داده اند تا افراد را از سنین کودکی برای زندگی در محیطی پر تحوّل و تغییر پذیر، آماده سازند.

یکی از صاحب نظران می گوید:

علم پذیری یک مسئله ی تربیتی است؛ یعنی اگر انسان ها و جوامع تربیت شوند، می توانند به طرف فرهنگ علمی بروند. ما آن شرایط و زمینه های لازم تربیتی را ایجاد نکرده ایم، تا به طرف این فرهنگ، حرکت نماییم. (1)

ص: 14

1- . محمود سریع القلم، توسعه، جهان سوم و نظام بین الملل، ص 149.

بنابراین، اگر این زمینه‌ها برای رشد و شکوفایی استعدادها ایجاد شود، می‌توان فرهنگ جامعه را علمی کرد؛ زیرا علم، در جغرافیای خاصی محصور نمی‌ماند.

2. توجه جدی به دنیا و مسائل مادی.

افراد یک جامعه، برای رسیدن به توسعه، باید همراه با حفظ اعتقادات و ارزش‌های معنوی خود، به مسائل مادی نیز توجه جدی داشته باشند و برای رسیدن به استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و کسب عزت و سربلندی در میان سایر ملل، باید در جمیع زمینه‌ها برنامه ریزی نموده، با آینده‌نگری و هم‌تیمی بلند و تلاشی خستگی‌ناپذیر، در این راه قدم بگذارند.

دنیای غرب، به خاطر عمل کرد غلط و غیر معقول ارباب کلیسا در قرون وسطی، جهت اول را به کلی کنار گذارد؛ زیرا ارزش‌های معنوی و اخلاقی که پدران روحانی کلیسا از آیین تحریف شده‌ی مسیحیت، ترویج می‌کردند، عملاً به صورت مانعی مهم در پیش رفت‌های علمی و توسعه‌یافتگی، درآمد و چنین محتوایی، همراه با رفتار خشونت‌آمیز و غیر منطقی با دانشمندان و محققین، باعث تنفر و بیزاری عموم مردم از ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی گردید؛ لذا آنها این‌گونه مطالب را به کلی کنار گذاشته، صرفاً با تلاشی پی‌گیر، در زمینه‌ی دوم قدم نهادند؛ و این سنت الهی است که اگر کسی برای دنیا هم تلاش و کوشش نماید، خداوند او را به مقصودش می‌رساند. (گرچه انگیزه‌ی الهی نداشته و در نتیجه، از پاداش و مقامات اخروی محروم می‌ماند).

3. تعهد نسبت به کار.

کار و فعالیت و روحیه‌ی تلاشگری، یکی از شرط‌های لازم برای توسعه در هر جامعه‌ای می‌باشد و این امر از ارزش‌های پذیرفته شده‌ی جوامع توسعه‌یافته و پیش‌رفته‌ی صنعتی است، به طوری که کم‌تر موردی یافت می‌شود که تا این اندازه قابل احترام باشد؛ تا آنجا که در جوامع مزبور، پاره‌ای از اعمال و حرکاتی که در سایر جوامع سنتی، پیش‌پا افتاده و کم‌ارزش است، بسیار

جدّی تلقّی می شود؛ به عنوان نمونه، هنگام کار، سیگار کشیدن، اتلاف وقت، صحبت های دوستانه و بی مورد و جولان دادن در محل های غیر از محیط کار، به شدت مورد سرزنش قرار گرفته، قابل پذیرش نیست. (البته اهمیت کار و تلاش از نظر اسلام بحث ارزنده ای است که فرصت دیگری را می طلبد).

4. نظم پذیری جمعی و احترام به قانون.

به طور کلی رعایت نظم، احترام به ضوابط پذیرفته شده و رعایت آنها، شرط تداوم پیش رفت های علمی و تکنولوژیک در جوامع توسعه یافته ی کنونی است. در فرهنگ آنها، برای هر چیز، ضابطه ای وجود دارد که رعایت آن در شرایطی، الزامی است؛ در نتیجه مسؤلیت هر فرد مشخص است و به سلسله مراتب، احترام گذاشته می شود. حاکمیت این روحیه و فرهنگ در یک جامعه، ناشی از احترام به قوانین و مقررات است؛ زیرا افراد آگاهی کامل دارند که رعایت قوانین به نفع همگان است؛ لذا انرژی دولت صرف میچ گیری و جلوگیری از تخلفات و تعقیب متخلفین، و انرژی مردم صرف فرار از مقررات نمی گردد و با برقراری جو اعتماد متقابل بین دولت - به عنوان کارگزار امر توسعه - و مردم، زمینه ی مشارکت عمومی در برنامه ریزی ها و اجرای آنها مهیا می گردد؛ این امر به نوبه ی خود، از عناصر فرهنگی لازم برای توسعه است.

5. فرهنگ مشارکت عموم در برنامه ریزی، سیاست گذاری و اجرا.

فرهنگ مشارکت عموم در روند توسعه، در میان اکثر کشورهای پیش رفته ی صنعتی، جایگاه مناسبی دارد و در سیستم قانون گذاری و اجرایی این کشورها، امری مقبول و پذیرفته شده است؛ ضرورت وجود چنین فرهنگی در یک جامعه ی در حال توسعه، از این جهت است که افراد یک کشور برای حرکت در مسیر توسعه ی مورد نظر و ایده ال خود، باید نسبت به مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگ کشور خود آگاهی کامل داشته، مقصد و هدف نهایی حرکت خود را بشناسند و برای رسیدن به آن،

تلاش و کوشش نمایند؛ زیرا تا مشارکت عمومی و یک رنگی و اعتماد متقابل بین آنان و دولتمردان به عنوان کارگزاران توسعه، وجود نداشته باشد، ممکن نیست این مسیر با موفقیت طی گردد.

6. احترام به آزادی، اعتقاد به برابری انسان ها و رعایت حقوق دیگران.

چنین فرهنگی را جامعه ی غرب، در مسیر توسعه و در میان افراد خود پدید آورد و از ثمرات شیرین آن بهره مند گردیده است؛ گرچه به خاطر انگیزه های مادی و کسب سود بیش تر و قدرت برتر، غالباً در رابطه با ملت های دیگر، این مفاهیم ارزشمند را به فراموشی سپرده و به استثمار و استعمار ملت های ضعیف جهان سوّم پرداخته است.

از آنجا که توسعه، با مشارکت وسیع همه ی افراد جامعه میسر می گردد، اعتقاد به برابری انسان ها در مقابل قانون و احترام به آزادی آنها، امر مذکور را تسهیل می نماید و این امور، موجب دلگرمی افراد به همکاری بیش تر و مشارکت صمیمانه در کارها می گردد. از طرف دیگر، آزادی عمل انسان ها در حدود قانون و ضوابط، باعث شکوفایی استعدادها و بروز نوآوری و خلاقیت افراد جامعه می گردد.

الگوی توسعه در کشورهای غربی، چه عواقب و پیامدهای منفی و مثبتی را به همراه داشته است؟

پیامدهای مثبت تقویت زمینه های فرهنگی مناسب در جوامع غربی، همراه با تلاش و کوشش خستگی ناپذیر عموم مردم و تحمل سختی ها و ریاضت های اقتصادی، سرانجام میوه ی شیرین توسعه را برای مردم آن سامان به ارمغان آورد و با رسیدن به این هدف، انسان در دنیای پیش رفته ی صنعتی، با تصرف و تغییر امکانات

و منابع بالقوه ي موجود در طبيعت، از آنها در جهت افزايش سطح رفاه و آسايش خود استفاده نمود.

بشر با کشف بسياري از اسرار و قوانين حاکم بر جهان آفرينش، به چگونگي پيدايش بسياري از وقايع و حوادث طبيعي پي برد و در برخي موارد با پيش بيني هاي خود، راه هاي مقابله يا پيش گيري از آنها را به دست آورد، در نتيجه از وحشت و هراس او در برابر حوادث طبيعي کاسته شد و موجب امنيت و مصونيت نسبي او گرديد. انسان با پيش رفت علوم پزشکي، بسياري از امراض و راه هاي درمان آنها را شناخت و با به کارگيري استعداد و قوه ي ابتکار و خلاقيت خود به موفقيت هاي چشم گيري در زمينه ي ابزار توليد به سبک نوين نایل آمد. انسان با استفاده از تکنولوژي مدرن و با روش هاي آسان تر و هزينه ي کم تر، همراه با صرفه جويي در وقت، سطح توليد را افزايش داد؛ و با مدرنيزه شدن کشاورزي، افزايش زمين هاي زير کشت و بهره وري، توليد مواد غذايي به حدّ وفور رسيد؛ و به اين وسيله، سستي نظريه ي اقتصاددانان بدبيني، چون مالتوس که روند رشد سريع جمعيت را موجب کمبود مواد غذايي، قحطي و سرانجام نابودي بشر مي دانستند، آشکار شد و مشکل جامعه ي بشري از اين ناحيه، تا حدّ زيادي برطرف شد.

به طور خلاصه اهمّ پيامدهاي مثبت توسعه در جهان غرب عبارت است از:

1. تسلط نسبي بر طبيعت و استفاده از منابع موجود در جهت رفع نيازهاي مادّي؛
2. صرفه جويي در وقت و نيروي بدني انسان، با استفاده از ماشين آلات و تکنولوژي مدرن؛
3. افزايش رفاه و آسايش در زندگي مادّي و آساني کارها با ابتکار و ساخت ابزار پيش رفته؛

4. افزایش تولید در تمام زمینه ها، به ویژه محصولات کشاورزی و مواد غذایی و رفع نگرانی بشر از این جهت؛

5. شکوفا شدن استعدادها و بکارگیری قوه ی ابتکار و خلاقیت در زمینه ی علوم مختلف، از جمله: در سازمان دهی روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تشکیل نهادهای مربوطه و حاکمیت قانون، همراه با مشارکت عمومی در صحنه های سیاسی.

پیامدهای منفی توسعه با الگوی غرب

اشاره

توسعه با این الگو، به معنای جهت گیری کل نظام های اقتصادی و اجتماعی اعم از قانون گذاری، اجرایی و غیره، در جهت رشد اقتصادی است؛ لذا هر برنامه و طرحی که به رشد اقتصادی منجر نشود، باید حذف گردد؛ در نتیجه اقتصاد، زیربنا و مبنای همه ی تحولات و برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی می شود. با این تفسیر از توسعه، مناسبات و روابط، براساس تولید و مصرف، همراه با زندگی ماشینی شکل گرفته است و این امر، پیامدهای خاص خود را به دنبال خواهد داشت که به بیان برخی از آنها می پردازیم:

1. تنوع گرایی و لذت طلبی.

بسیاری از ملت ها و افراد جامعه ی بزرگ انسانی، از لفظ توسعه ی اقتصادی، رفع فقر، محرومیت، پر کردن شکاف های ناشی از ظلم و بی عدالتی و رفاه نسبی مردم یک کشور را اراده می کنند؛ اما بعضی از مکاتب غرب، با ذکر همین لفظ، مصرف و تمتع هر چه بیش تر از لذایذ مادی را هدف نهایی از توسعه یافتگی می دانند، در حالی که از دیدگاه اسلام، چنانچه تمتع و منافع مادی، هدف زندگی قرار گیرد، انسان را از مقام عالی و شایسته اش، به عنوان یک موجود عاقل و متفکر، تا درجه ی نازل حیوانی پایین می آورد و اگر لذت طلبی، تنها هدف انسان در زندگی به حساب آید، تعهد و پای بندی او نسبت به بنیان خانواده سست می گردد و مانند انسان غربی، به مفاسد و عواقب سوء آن گرفتار می شود. چنین

تفکری - که در میان بسیاری از مکاتب فکری و فلسفی غرب رواج دارد - ریشه‌ی همه‌ی مفاسد اخلاقی و اجتماعی است و این امر به نوبه‌ی خود، ناشی از ماده‌گرایی و فراموش کردن حق می‌باشد.

به عنوان نمونه، شیوع بیماری‌های ایدز در غرب، به ویژه آمریکا، ناشی از فرهنگ لذت طلبی لجام‌گسیخته و افراطی است، به طوری که اکثر مبتلایان به آن، هم جنس‌بازان هستند، و علت شیوع این بیماری و نظایر آن در این جوامع، تحلیل رفتن روابط عاطفی، محور قرار گرفتن پول و منافع شخصی و سست شدن بنیان خانواده است.

2. اسراف و تبذیر در مصرف و نقش تبلیغات.

یکی از مشکلات جوامع پیش‌رفته‌ی صنعتی، بعد از رسیدن به تولید انبوه در فرایند توسعه‌ی خود، مصرف کالاهای تولید شده و تداوم این روند با تولید بیش‌تر بود؛ در نتیجه، مصرف بیش‌تر برای تولید زیادتر در اقتصاد غرب ضرورت یافت؛ زیرا با کاهش مصرف کالاهای تولید شده، حرکت توسعه‌کننده می‌شد؛ لذا رقابت در فروش و یافتن بازارهای مصرفی جدید مطرح گشت. ایجاد جلوه‌های فریبنده با تبلیغات وسیع در غرب، موجب تمایل مصرف‌کنندگان به اسراف و تبذیر و فراموش کردن نیازهای واقعی و ارضای نیازهای کاذب، همراه با مدگرایی شد؛ به طوری که امروزه، بعضی از متفکرین و نویسندگان غرب نیز اعتراف دارند که در مصرف منابع زیرزمینی، انرژی و کالاهای ساخته شده، راه افراط را می‌پیمایند.

در کتاب کوچک زیباست، آمده است:

ص: 20

ایالات آمریکا، 42 درصد کبالت، 42 درصد آلومینیوم، 63 درصد گاز طبیعی، 31 درصد گرد پلاتین، 28 درصد آهن، 33 درصد نفت، 38 درصد نیکل و 44 درصد ذغال سنگ کل مصرف جهان را مصرف می کند، در حالی که تنها در تولید یک یا دو مورد فوق خودکفا است. (1)

کشورهای توانگر که بیست و نه درصد جمعیت جهان را دارا هستند، هشتاد درصد سوخت و منابع مواد خام را مصرف می نمایند؛ لذا برخی از دانشمندان غربی معتقدند که همه ی کشورها هرگز نمی توانند به توسعه ی اقتصادی دست یابند. نیمه ی تهی دست و فقیر، مستقیماً تاوان آن نیمه ی سیر و پُر است. (2)

3. آلودگی محیط زیست.

خداوند متعال نظام طبیعت و این جهان را به گونه ای آفریده است که همیشه فضولات، به منزله ی حلقه های کاملاً ضروری و ارزشمند، چرخه های حافظ حیات را در کره ی زمین تکمیل و تقویت می کند، که در اصطلاح، به این پدیده «پس خوراند» (3) می گویند، به این معنی که چیزی به عنوان فضولات یا مواد زاید، هرگز به وجود نمی آید؛ مثلاً فضولات حیوانات و برگ درختان، موجب حاصل خیزی لایه ی خاک می گردد؛ لیکن امروزه، زندگی در دنیای پیشرفته ی صنعتی، به فرآورده هایی وابسته است که در سطحی گسترده، منابع را به صورت موادی در می آورد، که برخی از آنها در حیات طبیعی هرگز امکان جذب و پالایش را ندارد و هر روز بر آلودگی محیط زیست می افزاید. از همه مهم تر، خطر آلودگی مواد رادیواکتیو است؛ زیرا در میان همه ی تغییراتی که به دست بشر در طبیعت ایجاد شده است، خطرناک ترین و عمیق ترین تغییر، شکاف هسته ی اتم در مقیاس وسیع است.

ص: 21

1- . مرتضی آوینی، توسعه و مبانی تمدن غرب، ص 38.

2- . ای اف شوماخر، کوچک زیباست، ترجمه ی علی رامین، ص 93 - 97.

3- . . Feed back.

یونیزه کردن پرتوهای یون ساز، عامل آلودگی محیط زیست و مخاطره آمیزترین عمل، برای بقای انسان است.⁽¹⁾

نتیجه این که، از دیدگاه اسلامی نمی توان با الگوی توسعه ی غرب و تبعات آن موافقت و از آنها تقلید نمود؛ زیرا لازمه ی دست یابی به این نوع توسعه، زیر پا گذاشتن همه چیز برای رسیدن به رشد اقتصادی و تولید بیش تر است، در حالی که تنها رشد و توسعه ای قابل قبول است که با تکامل و تعالی روحی انسان هماهنگ و سازگار باشد. (البته باید با روش صحیح، از علم و تجربه ی دیگران استفاده نمود.)

4. توزیع نابرابر درآمدها و تشدید فقر و گرسنگی در جهان سوم.

توسعه و پیش رفت جهان غرب، با هدف حداکثر کردن تولید و سود حاصل از آن و افزایش سطح مصرف، همراه با اسراف و تبذیر و فراموش کردن ارزش های اخلاقی و انسانی، برای کشور های توسعه نیافته نتایج تلخی را به دنبال داشته است. یکی از نتایج روند مذکور، گسترش فقر، گرسنگی و نابرابری در میان جوامع انسانی بوده است، به طوری که هر ساله میلیون ها نفر به خاطر گرسنگی یا سوء تغذیه جان سپرده و اکنون جمعیت کثیری در جهان از این پدیده رنج می برند. جهت آگاهی بیش تر آمار زیر را مورد توجه قرار می دهیم:

در سال 1981، پنجاه میلیون نفر بر اثر گرسنگی و سوء تغذیه جان سپردند، در حالی که این رقم از تمام کشته شدگان جنگ جهانی دوم، بیش تر است. در همین سال، جامعه ی اقتصادی اروپا، برای جلوگیری از پایین آمدن نرخ ها تصمیم گرفت مازاد مواد غذایی خود را به دریا بریزد.

ص: 22

1- . مرتضی آوینی، پیشین، ص 20-23.

کارشناسان تخمین زدند که در سال 2000، حدود یک میلیارد نفر از مردم جهان به گرسنگی و سوء تغذیه مبتلا بوده اند که یکی از علل مهم این پدیده آن است که مردم کشورهای فقیر 48 درصد از جمعیت دنیا را تشکیل می دهند، ولی فقط 12 درصد از درآمد جهان به آنها تعلق دارد؛⁽¹⁾ و تأسف بار این که، جهان پیش رفته و متمدن امروز، از مواد غذایی به عنوان ابزاری در جهت سلطه ی سیاسی و اقتصادی بر کشورهای در حال توسعه و فقیر استفاده می نماید. یکی از مقامات پینتاگون می گوید:

تولیدات غذایی را می توان به جای سلاح به کار برد. ما باید به این سلاح توجه کنیم و با در نظر گرفتن موقعیت کشورهای فقیر، در اندیشه ی راه های استفاده از آن باشیم.

حتی گاهی مردم این کشورها، قربانی داروهای فاسد و کنترل نشده ی وارداتی از کشورهای پیش رفته می شوند، به طوری که در سال 1982 یک میلیون نفر از مردم کشورهای جهان سوم، بر اثر استعمال داروهای فاسد کشورهای اروپایی، جان خود را از دست دادند.⁽²⁾

برخی با مطرح کردن تفکر عدم سازش علم با دین، جدایی دین از سیاست (سکولاریزم) را، راه دست یابی به توسعه می دانند؛ علت پیدایش این تفکر چیست و چه ارتباطی با توسعه دارد؟

جامعه ی غرب در مسیر توسعه، اهتمام به علم و دانش و ایجاد نگرش علمی در افراد جامعه را، امری لازم و ضروری تشخیص داد و در راه صنعتی شدن خود، از دست آوردهای علمی کاملاً بهره گرفت؛ ولی در این راستا، همواره گروهی

ص: 23

1- . سید حسن اسعدي، بحران غذا، ص 17 و 18.

2- . روزنامه ی جمهوری اسلامی، 1633.

از غربی ها، آگاهانه یا ناخودآگاه سعی نمودند که علم و دین را مخالف یکدیگر جلوه دهند، به طوری که این تفکر در میان برخی از روشن فکران مسلمان دل باخته ی تمدن غرب نیز پیدا شده است و بعضی از آنها فکر کرده اند که دین با علم سازگار نیست و پیروی از یکی، مستلزم ترک دیگری است.

شهید مطهری در این باره می نویسد:

دو گروه همیشه سعی کرده اند که دین و علم را مخالف یکدیگر جلوه دهند؛ یکی، طبقه ی متظاهر به دین، ولی جاهل، که نان دین داری مردم را خورده اند و از جهالت آنها استفاده کرده اند، این دسته برای نگه داشتن مردم در جهل و پرده پوشی روی عیب خودشان، مردم را از علم، به عنوان این که با دین سازگار نیست، می ترسانیده اند؛ گروه دوم، طبقه ی تحصیل کرده و دانش آموخته ای هستند که، پشت به تعهدات انسانی و اخلاقی کرده اند؛ این طبقه برای توجیه لابیالی گری های خود، به علم تکیه کرده و آن را مانع نزدیک شدن به دین می دانند. طبقه ی سوم هم همیشه بوده اند که از هر دو موهبت، بهره برده و هیچ گونه تنافی و تناقضی احساس نمی کرده اند. (1)

اکنون جامعه ی صنعتی غرب با وجود پیش رفت های چشم گیر علمی، احساس نیاز شدیدی به معنویات و مسائل اخلاقی می نماید و بسیاری از گرفتاری ها و مشکلات اجتماعی خویش را ناشی از نادیده گرفتن و یا در حاشیه قرار دادن ابعاد روحی و اخلاقی انسان می داند. حال جای این بحث و تحقیق وجود دارد که این جامعه، از نظر تاریخی، با چه وضعیتی و شرایطی مواجه گردید، که در مقطع خاصی دین و دین داری را مانع پیش رفت و ترقی قلمداد کرده و به آن بی اعتنایی نشان داده است. به این منظور واژه ی سکولاریزم را معنی، و ریشه ی تاریخی گرایش به این ایده را به طور خلاصه بیان می کنیم، تا علت جدایی جوامع غربی از مذهب و نیز

ص: 24

تفکر عدم سازگاری دین با دانش و پیش رفت و زمان شروع پدیده ی دین زدایی از جامعه مشخص گردد.

ریشه ی تاریخی سکولاریزم

اشاره

یکی از ریشه های پیدایش چنین بینشی نسبت به دین، وضعیّت کلیسا در قرون وسطی بود، پدران روحانی کلیسا، در این دوران، فرصت خوبی برای ترویج خرافات و محتویات آیین تحریف شده ی مسیحیّت و خرید و فروش بهشت و جهنّم و بخشش گناه پیدا کرده و در کمال قدرت و بی پروایی، سرگرم کار خود بودند؛ در حالی که اگر کلیسا در حدّ توان خود درست عمل می کرد و یک نظریه و تعریف صحیح از دین ارائه می داد و توجه به امور دنیا را به طور مطلق، نامقدس نمی شمرد، شاید نامی از سکولاریزم پدیدار نمی گشت و دین با چنین واکنشی روبه رو نمی شد.

براساس قانون تکامل و حس کنجکاوی نهفته در بشر، اسرار عالم یکی پس از دیگری کشف گردید و مردان متفکری در گوشه و کنار، برخلاف تعلیمات کلیسا، به

ص: 25

اظهارنظرهاي علمي پرداختند؛ ولي در مقابل، کليسا بر تعليمات تحريف شده ي مسيحيت اصرار ورزيده، به مقابله با وضع موجود پرداخت و در اين راستا به فکر تشکيل محکمه ي تفتيش عقايد افتاد.

محکمه ي تفتيش عقايد يا سازمان انگيزيسيون که از سال 1233 ميلادي، به دست «گريکوار نهم» تشکيل شد و بقاايي آن تا قرن نوزدهم ادامه داشت، خفقان شديدي در افکار عمومي پديد آورده بود؛ و هرگاه احتمال مي داد که کسي برخلاف نظر کليسا، جمله اي بر زبان جاري کرده يا عقیده اي ابراز داشته است او را به بدترين وجه، مورد شکنجه و آزار قرار مي داد و به اين وسيله افکار را شديداً کنترل و از پيش رفت علم و دانش، جلوگيري مي نمود.⁽¹⁾ بنا بر اين، بسيار طبيعي بود که پس از پيروي دانش بر کليسا، اين فکر براي عموم مردم آن سامان پيدا شود که دين، طرف دار جهالت و اوهام است و سازش ميان آن دو به هيچ وجه ممکن نيست.

از اين رو، دين مخالف دانش معرفي گرديد، تا جايي که، بين دين واقعي (اسلام) با دين تحريف شده اي چون مسيحيت، هيچ تفاوتی قايل نشده، همه را به عنوان مخالف و معارض با دانش، معرفي کردند؛ حتي برخي از روشن فکران مسلمان نيز بدون توجه به ريشه ي تاريخي پيدايش سکولاريزم و نيز تفاوت فاحش تعاليم انسان ساز و الهي اسلام با آيين تحريف شده ي مسيحيت، سکولاريزم را در ايران اسلامي و در مقابل نظام مقدس جمهوري اسلامي تبليغ نموده، از روي جهالت و ناداني، يا آگاهانه و به قصد تضعيف حکومت اسلامي، نغمه ي جدائي دين از سياست سر مي دهند؛ در حالي که ما مي دانيم - برخلاف روش علم ستيز کليسا در غرب - اولين آياتي که بر پيامبر اکرم (ص) نازل شد، درباره ي خواندن و تعليم و تعلم بود⁽²⁾ و قرآن کریم، مقامي بس ارجمند براي اهل ايمان و دانشمندان قايل است.⁽³⁾

ص: 26

1- . زين العابدين قرباني، تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي، ص 24.

2- . سوره ي علق (98)، آيات 5 - 1.

3- . سوره ي مجادله (58)، آيه ي 11.

در سخنان پیشوایان معصوم(ع) علم به عنوان چراغ روشنگر عقل، (1) گم شده ی فرد با ایمان، (2) بهترین وسیله ی هدایت، (3) سرچشمه ی تمام خوبی ها، (4) بهترین میراث پدران برای فرزندان، (5) وسیله ی اطاعت و بندگی خداوند متعال و معرفت نسبت به او (6) و به عنوان یک فریضه و تکلیف الهی برای همگان (7) معرفی شده است، تا جایی که یک ساعت مذاکره و مباحثه ی علمی، برتر از یک شب نماز و عبادت، (8) و مرکب قلم عالمان و دانشمندان، برتر از خون شهدا، (9) و عالمی که اسلام و جامعه ی اسلامی از علم او بهره برد، برتر از هفتاد هزار عابد است. (10)

بنابراین، اسلام با اهتمام به کسب علم و دانش و مقام و منزلت دانشمندان، درصدد تقویت نگرش علمی همراه با ایمان، در جامعه ی اسلامی بوده و ساعتی

ص: 27

- 1- . محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 6، ح 1334؛ العلم مصباح العقل، امام علی(ع).
- 2- . همان، ح 13350: العلم ضالّة المؤمن. امام علی(ع).
- 3- . همان، ح 13343: العلم افضل هداية. امام علی(ع).
- 4- . همان، ح 13376: العلم رأس الخیر کلّه و الجهل رأس الشركه. رسول اکرم(ص).
- 5- . همان، ح 13334: انّ خیر ماورث الالباء لابنائهم الادب لا المال فان المال یذهب و الادب یتقی قال مسعدة یعنی بالادب. امام صادق(ع).
- 6- . همان، ح 13383: ... بالعلم یطاع الله و یعبدو بالعلم یعرف الله و یوحده...
- 7- . بحار الانوار، ج 1، ص 177: طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة.
- 8- . محمدی ری شهری، همان، ح 1318: تذكّر العلم ساعة خیر من قیام لیلة. امام باقر(ع).
- 9- . همان، ح 13402: اذا کان یوم القیامة رفعت الموازین فتوزن دماء الشهداء مع مداد العلماء فیرجّح مداد العلماء علی دماء الشهداء. امام صادق(ع).
- 10- . همان، ح 1318: عالم ینتفع بعلمه افضل من عبادة سبعین الف عابد. امام باقر(ع).

تفکر را بالاتر از شصت سال عبادت می دانند(1) و افراد را از دنباله روی هرگونه خرافه ای برحذر می دارد.

ص: 28

1- . بحارالانوار، ج 69، ص 293، ح 23.

برتری و عزت جامعه ی اسلامی چه نقشی در جهت دست یابی به توسعه ی مورد نظر اسلام دارد؟

از آنجا که یکی از نتایج مهم توسعه ی جامعه ی اسلامی، خودکفایی، اقتدار اقتصادی، جهت دادن به اعمال و رفتار افراد برای دست یابی به فضایل انسانی و تحصیل رضایت حق تعالی و قرب به اوست؛ بر این اساس، هدایت جامعه به سوی تأمین نیازهای خود و کسب برتری و تفوق علمی و صنعتی بر دیگر جوامع، از عناصر لازم و ضروری در این مسیر می باشد؛ زیرا جامعه ای که برای اداره ی خود دست نیاز به سوی بیگانگان دراز نماید و به منابع و امکانات خود متکی نباشد و نتواند استعداد افراد را در جهت نیل به خودکفایی و پیش رفت های علمی شکوفا سازد، هیچ گاه به توسعه ی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نخواهد رسید و با از دست دادن اعتماد به نفس، هویت و شخصیت فرهنگی و اجتماعی خود را به فراموشی سپرده، روحیه ی خودباختگی و یأس بر آن حاکم می گردد؛ لذا در جهت نیل به

خودکفایی همراه با اقتدار و استقلال اقتصادی، باید به گونه ای فعالیت نمود که جامعه ی اسلامی در مقابل سایر جوامع، عزیز و سربلند گردد؛ زیرا خداوند متعال هیچ گاه برای کفار راه تسلط و تفرّقی بر مؤمنین قرار نداده است؛⁽¹⁾ و از مسلمانان می خواهد که تمام نیروهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود را برای مقابله با

ص: 33

1- . سوره ی نساء (4)، آیه ی 141.

توطئه ها و تجاوزات دشمنان اسلام بسیج و آماده نمایند؛(1) چرا که جامعه ی اسلامی، باید برتر و بالاتر باشد و چیزی بر آن برتری و تفوق ندارد.(2)

آنچه برای فرد و جامعه، عزّت و کرامت به ارمغان می آورد، روحیه ی ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی است؛ زیرا نیازهای کاذب و مصارف تجمل گرایانه، انسان را به تملّق و چاپلوسی وادار می سازد و برای افرادی که گرفتار اسراف و تبذیر و زندگی پر زرق و برق می باشند، زمینه ی انحراف و نافرمانی از دستورات الهی و ظلم و ستم در حق دیگران فراهم است و در مقابل هر کس مجبور به شکستن عزّت نفس و شخصیت خود می گردند.

از طرف دیگر، تحولات علمی به وجود آمده در دنیا موجب شده است که همه ی کارها بر محور علم و تکنولوژی بچرخد و بدون آن هیچ مشکلی از امور مهم زندگی را نمی توان حل کرد؛ از این رو، رسیدن به استقلال و خودکفایی همراه با اقتدار، به فراگیری علوم و تکنولوژی پیشرفته ی روز بستگی دارد و فریضه ی علم، به عنوان کلید انجام سایر فرایض و نیز دست یابی به اهداف نظام اقتصادی اسلام شناخته شده و از شؤون حیاتی مسلمین برای کسب عزّت و شرافت در سطح بین المللی است.

البته باید توجه داشت که علم به تنهایی نمی تواند ضامن سعادت يك ملت باشد، بلکه باید در کنار آن به تقویت ایمان و تقوا و بالا بردن اتحاد و همبستگی و روحیه ی همکاری و همدلی همّت گماشت. قرآن کریم می فرماید:

ص: 34

1- . سوره ی انفال (8)، آیه ی 60.

2- . وسائل الشیعه، ج 17، ص 376.

سستی و اندوه به خود راه ندهید که تا زمانی که مؤمن بوده (و به لوازم آن ملتزم باشید) برتری و تقوی از آن شماست. (1)

نظر اسلام نسبت به کار و تلاش به عنوان یکی از عوامل تولید چیست؟ و چه محدودیت هایی برای آن قایل است؟

در میان عوامل تولید، کار از جایگاه ممتازی برخوردار است؛ زیرا با انجام کار و استفاده از نیروی انسانی، سایر عوامل و منابع، مورد بهره برداری قرار می گیرد؛ حتی تکنولوژی پیش رفته ای که امروزه تا حدّ زیادی جانشین کار انسان شده است، محصول کار و تلاش انسان است و در بین عوامل تولید، این عامل، با اراده و علاقه ی انسان ارتباط دارد؛ لذا از جهات متعددی، دارای امتیاز خاصی است.

اسلام به کار و اشتغال اهمیت زیادی داده و بی کاری، تبلی و کسالت را به شدت نکوهش، و در ضمن تعالیم خود، افراد را به کار و جدّیت فوق العاده تشویق نموده و آن را یک فرضیه ی الهی برای مسلمانان قرار داده است. جهت تبیین نظر اسلام در این زمینه، نمونه هایی از سخنان پیامبر گرامی اسلام (ص) و پیشوایان معصوم (ع) را بیان می نمایم:

پیامبر گرامی (ص) می فرماید:

طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة؛ کسب روزی از راه مشروع، بر هر مرد و زن واجب است. (2)

هرگاه مردی توجّه پیامبر اسلام (ص) را به خود جلب می کرد، می پرسید آیا شغلی دارد؟ اگر می گفتند نه، بیکار است، می فرمود:

ص: 35

1- . سوره ی آل عمران (3)، آیه ی 139.

2- . بحار الانوار، ج 103، ص 9.

از چشمم افتاد؛ برای این که فرد با ایمان اگر شغلی نداشته باشد، با دین خود، گذران زندگی و تأمین معاش می نماید. (1)

امام کاظم (ع) می فرماید:

خداوند از بنده ی پر خواب و بی کار، به شدت متنفر است. (2)

امام رضا (ع):

آن کس که با کسب و کار، فضل الهی را برای تأمین و اداره ی خانواده اش طلب نماید، پاداش او برتر از مجاهد در راه خداست. (3)

اسلام تا آنجا بر کار و تلاش یک مسلمان تأکید دارد که پیامبر اسلام (ص) بعد از بازگشت از جنگ تبوک و مشاهده ی دست های زبر و پینه بسته ی سعد انصاری که برای استقبال از ایشان آمده بود، بر دست او بوسه زده و فرمودند:

این دستی است که آتش به او نمی رسد. (4)

بنابراین، از دیدگاه اسلام، کار و تلاش و تولید، جهت امرار معاش و رفع نیاز خود و دیگر افراد جامعه، یک وظیفه است و باعث محبوبیت شخص در پیشگاه الهی بوده، نوعی عبادت محسوب می شود؛ لذا تلاش در دنیا، ماهیت اخروی به خود گرفته و در راستای تأمین سعادت اخروی به حساب می آید و این از امتیازات منحصر به فرد دین اسلام است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) در این زمینه می فرماید:

کسی که با دسترنج خود از حلال الهی استفاده نماید، درهای بهشت بر او باز می شود، تا از هر دری که مایل است وارد شود. (5)

ص: 36

1- . بحار الانوار، ج 3، ص 103 و 9.

2- . وسائل الشیعه، ج 12، ص 36.

3- . کافی، ج 5، ص 88.

4- . عزالدین ابن اثیر، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 2، ص 296.

5- . بحار الانوار، ج 103، ص 10.

از نظر اسلام، کسی که بدون کار از خدا درخواست روزی کند مورد نکوهش است. با این که قرآن، عبادت و بندگی حق تعالی و معرفت نسبت به او را هدف خلقت قرار داده است؛⁽¹⁾ ولی نباید عبادت جای کار را بگیرد، بلکه هر یک در وقت خود باید انجام پذیرد. پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در برخورد با افرادی که از روی جهل و یا کج فهمی، کار را به جای عبادت یا عبادت را به جای کار قرار می دادند، با تذکر و گاهی با عتاب و سرزنش، سعی در تصحیح بینش و رفتارشان داشته اند.

نوع کار: از نظر اسلام، انسان در انتخاب شغل آزاد است، مشروط بر این که آن شغل با ارزش های اسلامی ناسازگاری نداشته و تحریم نشده باشد، ولی لازم است در انتخاب شغل چند نکته مورد توجه قرارگیرد:

1. هر فرد، مسئولیت و شغل مورد علاقه ی خود را انتخاب نماید؛ زیرا اگر انجام کار با میل و رغبت باشد هم برای خود فرد مفید است و هم از کارایی بالاتری برخوردار بوده، بازده آن افزایش می یابد و در نتیجه جامعه هم از آن بهره ی بیش تری می برد؛

2. انسان باید با توجه به توانایی خود، شغلش را انتخاب نماید؛

3. انسان مکتبی و متعهد، همواره باید به فکر انجام وظیفه باشد؛ لذا در انتخاب شغل شایسته است رشته و تخصص مورد نیاز جامعه را انتخاب نماید؛ پس تولید کالاها و انجام خدماتی که نیازهای اولیه ی عمومی را برطرف می نماید و یا در سطوح بالاتر، آسایش و رفاه را برای جامعه به بار می آورد، از اولویت برخوردار

ص: 37

1- . سوره ی ذاریات (51)، آیه ی 56.

است؛ البته در روایات زیادی، بر کشاورزی و دام داری به عنوان دو شغل حیاتی و مورد نیاز جامعه تأکید شده است.⁽¹⁾

منع افراط و تفریط در کار:

گرچه از نظر اسلام، کار و تلاش برای هر فرد، مطلوب، و در بسیاری از موارد، ادای وظیفه است؛ ولی افراط در آن هم پسندیده نیست؛ زیرا انسان برای این آفریده نشده است که همواره کار کند؛ او نیاز به استراحت هم دارد و باید به خودسازی و رشد اخلاقی و افزایش دانش و معلومات دینی و اجتماعی نیز پردازد؛ پس باید زمانی را برای کار و فرصتی را برای استراحت و عبادت و زمانی را برای تفریحات سالم و ساعتی را برای کسب معلومات و افزایش آگاهی های خود در نظر بگیرد و در هیچ یک از آنها افراط و تفریط روا نیست.⁽²⁾ تفریط در کار، به معنای کسالت و تنبلی نیز ملامت شده، و یکی از عوامل مهم عقب ماندگی بعضی از کشورهای جهان سوم در عصر حاضر است.

اسلام به کار و تلاش تا زمان مرگ - به شرط توانایی - تأکید نموده است. رسیدگی و تأمین افراد از کار افتاده، از وظایف حکومت اسلامی است؛ اما امروزه عده ای پس از چند سال کار، با وجود کسب تجربه و کارایی بالا، به عنوان بازنشسته، سال هایی از عمر خود را به بیکاری و بیهودگی می گذرانند⁽³⁾ و چه بسا به جای آنان افراد تازه کار و غیر متخصص مشغول به کار می گردند؛ و در نتیجه، جامعه از آن

ص: 38

1- . وسایل الشیعه، ج 12، ص 25.

2- . دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص 136-137.

3- . دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، ص 303.

سرمایه‌ی انسانی ارزنده، مجرب و متخصص محروم می‌گردد؛ لکن از نظر اسلام، ادامه‌ی کار، با اختیار و علاقه‌ی خود شخص و توانایی او بر انجام وظیفه، هیچ‌گونه محدودیتی ندارد.

ملاحظه می‌شود که در جوامع اسلامی، امر تولید و نیز سایر عرصه‌های اقتصادی، از اتقان لازم برخوردار نیست، که این امر، به نحوی به انضباط اقتصادی و تولیدی لطمه می‌زند؛ توصیه‌ی اسلام به مسلمانان در این موارد چیست؟

از اموری که در رسیدن جامعه‌ی اسلامی به استقلال اقتصادی و اعتبار بین‌المللی و عزت و سربلندی، نقش محوری دارد، انجام صحیح و استوار امور، اعم از تولیدی و خدماتی است؛ به این معنی که هر فرد در جامعه‌ی اسلامی با احساس مسئولیت و وجدان کاری، سعی نماید کار خود را با استحکام و کیفیت مطلوب به انجام رساند.

اسلام نیز بر این امر تأکید فراوان دارد، به طوری که پیامبر اکرم (ص) حتی نسبت به دفن اجساد مردگان، بر استحکام در عمل تأکید نمودند و پس از محکم نمودن قبر یکی از اصحاب با سنگ و گِل، فرمودند:

من نیک می‌دانم که این قبر، فرسوده و (بدن) دستخوش پوسیدگی خواهد گردید؛ ولی خداوند دوست دارد که بنده اش چون کاری انجام دهد، آن را محکم و استوار نماید. (1)

در روایت دیگری، آن حضرت می‌فرماید:

ص: 39

خداوند دوست دارد هر عمل کننده اي (کارگر و مأمور بر انجام وظیفه اي) کار خود را به خوبی انجام دهد. (1)

بنابراین، یکی از شرایط رسیدن جامعه ي اسلامي به عزّت و سربلندي همراه با استقلال اقتصادي، انجام صحيح و استوار کارهاست. و از جمله آثار اقتصادي اتقان در عمل، استفاده ي کارا از سرمایه هاي انساني و فیزیکی مي باشد؛ زیرا چنانچه تولید کالا یا انجام خدمتي با سستي صورت گیرد، نتیجه اي جز اتلاف منابع و وقت در پی نخواهد داشت و این امر، با استفاده ي کارا از نیروها و صرفه جویی در هزینه ها، که از شرایط اساسي رسیدن به رشد و توسعه ي اقتصادي است، سازگار نمي باشد.

یکی دیگر از آثار اقتصادي - اجتماعي انجام صحيح و استوار کارها که تا حد زيادي جنبه ي روحي و فرهنگي نیز دارد، جلب اعتماد آحاد جامعه به کالاها و خدمات داخلي است.

متأسفانه مشکل اکثر کشورهای جهان سوم - و تا حدّ زيادي جامعه ي ما - این است که بسياري از تولید کنندگان، با وجود توان و استعداد تولید کالاها با کیفیت مطلوب، با کوه نظري و سودجویي، شتاب زده کار خود را با کیفیت غير استاندارد انجام مي دهند و علاوه بر اتلاف منابع و ضرر اقتصادي، اعتبار خود را از دست مي دهند؛ در حالي که مي توانند با جلب اعتماد مصرف کنندگان، موجب تقويت توليدات و صنايع داخلي و کسب اعتبار بين المللي براي کشور خود گردند.

اهتمام به نظم و انضباط

یکی از شرایط اساسي انجام درست هر کاري، رعایت نظم و انضباط و جدّي بودن در تمام مراحل آن است. مراد از انضباط؛ جدّیت، سازمان پذيري، آراستگي،

ص: 40

نظم و ترتیب، سعی و کوشش در کارها و پرهیز از هرگونه سستی و بی‌سامانی در امور است، در نتیجه یک سازمان و جامعه‌ی منضبط از هماهنگی کامل برخوردار است.

از اصول جالب توجه در سیره‌ی عملی پیامبر اکرم(ص) اصل نظم و انضباط است، به طوری که در همه‌ی جلوه‌های زندگی آن حضرت، عینیت داشت؛ همان طور که در حیات نورانی ائمه(ع) نیز این مطلب چشم‌گیر است.

پیشوایان معصوم(ع) بر داشتن برنامه‌ی منظم و تقسیم اوقات، بسیار تأکید می‌نمودند. امام کاظم(ع) می‌فرماید:

تلاش کنید که اوقاتتان چهار بخش باشد، یک بخش برای مناجات با خدا، بخشی برای زندگانی و معاش، بخشی برای معاشرت با برادران و اشخاص مورد اعتماد که عیوب شما را به شما می‌فهمانند و از دل به شما اخلاص دارند و در بخشی هم برای درک لذت‌های حلال خلوت کنید، که این بخش، شما را بر انجام وظایف در سه بخش دیگر موفق می‌سازد.⁽¹⁾

آثار اقتصادی وجود نظم

1. امکان وفای به تعهدات و قراردادها.

با برنامه‌ریزی صحیح و برقراری نظم و ترتیب در هر امر فردی یا جمعی، کارها در زمان مقرر به اتمام می‌رسد و هر جزئی در جای خود قرار می‌گیرد و با انجام به موقع آنها، وفای به تعهدات میسر می‌گردد؛ و در صورت وجود هرج و مرج، کارها به تأخیر افتاده، وفای به تعهدات، ناممکن می‌شود.

ص: 41

1- . ابومحمد الحسن بن علی شعبه حرانی، تحف العقول، ص 307.

2. استحکام و استواری امور.

از آثار وجود نظم و ترتیب در هر کاری اعم از تولیدی یا خدماتی، استواری و استحکام در عمل است؛ زیرا با رعایت نظم، فرصت کافی برای انجام هر کاری وجود دارد و فرد با دقت و حوصله، وظیفه‌ی خود را به بهترین وجه انجام می‌دهد؛ ولی اگر نظم و ترتیب بر افعال فرد حاکم نباشد، غالباً با کم بود وقت مواجه می‌گردد و در نتیجه، از میزان دقت و استحکام عمل کاسته می‌شود.

3. برقراری روحیه‌ی همکاری و دل‌گرمی در مسئولین اجرا و صاحبان سرمایه.

انجام به موقع کارها، همراه با استحکام و استواری، باعث به وجود آمدن جوّ هم‌کاری و صمیمیت بین هم‌کاران یا شرکا می‌گردد و پیش رفت کار و انجام به موقع هر قسمت، موجب دل‌گرمی مسئولین اجرا می‌گردد؛ در نتیجه کلیه‌ی افراد با اخلاص و یکرنگی در حل مشکلات تلاش می‌نمایند؛ از طرف دیگر، در کارهای تولیدی و اقتصادی که وجود سرمایه‌ی کافی، شرط لازم انجام پروژه‌های زیربنایی است، صاحبان سرمایه به سرمایه‌گذاری تشویق می‌شوند و مشکلی از این جهت پیش نمی‌آید.

پیامدهای بی‌نظمی

اگر رعایت نظم و ترتیب در کارها جای خود را به بی‌نظمی و هرج و مرج بدهد، آثار و عواقبی را در پی خواهد داشت که مهم‌ترین آنها شکست نهایی و به ثمر نرسیدن آن کار است.

از طرف دیگر، بی‌نظمی، موجب سستی و کسالت افراد می‌گردد و هر کس به انگیزه‌ی راحت‌طلبی، از زیر بار مسئولیت‌شانه خالی نموده، گناه را به گردن دیگران می‌اندازد و در چنین جوّی، اعتماد متقابل و هم‌کاری بین افراد، اتقان در عمل و

استحکام محصولات توليدي از بين مي رود و پيامد چنين عملکردي، هدر رفتن نيروها و سرمايه ها مي باشد.

نتيجه اين که، اسلام و پيشوايان معصوم، همواره بر نظم و انضباط، جدیت در کارها و از دست ندادن فرصت ها تأکید فراوان داشته و فوايد و آثار نظم را به ياران و پيروان خود متذکر گردیده و آنها را از عواقب بي نظمي و هرج و مرج در کارها بر حذر داشته اند. پس ما بايد با پيروي از اين دستور حياتي اسلام، در تمام زمينه هاي فردي و اجتماعي، منضبط، جدي و کوشا باشيم.

ص: 43

فصل سوّم: بررسي مفاهيم به ظاهر ناسازگار با توسعه

اشاره

ص: 45

آیا دیدگاه اسلام نسبت به دنیا و آخرت - که دنیاطلبی را نفی و آخرت گرایی را ترویج می نماید - یکی از موانع رسیدن جوامع اسلامی به توسعه و پیش رفت مادی نیست؟

از آنجا که توسعه اقتصادی فرایندی است که به استفاده ی بهینه و کارا از منابع طبیعی و انسانی، در جهت نیل به رفاه مادی همراه با کسب کمالات روحی و معنوی می پردازد و این روند با بهره گیری از امکانات مادی تحقق می یابد؛ پس نگرش انسان به دنیای مادی، نقش تعیین کننده ای در چگونگی برخورد با آن دارد و چنانچه نظر دین نسبت به دنیا به طور صحیح و منطقی تبیین شود، تأثیر به سزایی در تلاش و فعالیت افراد برای دست یابی به پیش رفت های علمی و عزت و سربلندی جامعه همراه با تهذیب اخلاق دارد؛ ولی اگر تفسیر انحرافی از آن صورت گیرد،

موجب تخدير، بي تفاوتی و پذیرش هرج و مرج و سرمنشأ بدبختی و عقب ماندگی فرد و جامعه می گردد.

اسلام دنیاگرایی را نفی و آخرت طلبی را ترویج می نماید؛ اگر آیات و روایاتی که دنیا و دنیا طلبی را نکوهش و مذمت نموده اند درست تبیین نگردند، اسلام به عنوان يك مذهب ناسازگار با توسعه و ضد پیش رفت های علمی و صنعتی مدرن معرفی می گردد.

روایات مربوط به دنیا را به چند دسته می توان تقسیم نمود:

الف) روایاتی که دنیا را بی ارزش و پست دانسته اند: مانند:

الدنيا تغوي؛ (1) دنیا گمراه کننده است.

الدنيا منيته الاشقياء (2)؛ دنیا نهایت آرزوی بدبختان است.

الدنيا غنيمه الحمقى (3)؛ دنیا بهره و فایده ی بی خردان است.

الدنيا سوق الخسران (4)؛ دنیا بازار زیان و ضرر است.

دار بالبلاء معفوفة و بالغدر معروفة (5)؛ دنیا سرایی است که آغشته به بلاها و معروف به حيله ها و فریب هاست.

ب) روایاتی که دنیا و امکانات موجود در آن را ستوده اند: مانند این سخن از حضرت علی (ع) :

ص: 48

1- . غررالحکم و دررالکلم، ترجمه ی محمد علی انصاری، ص 6، شماره ی 43.

2- . محمد محمّدي ري شهري، میزان الحکمة، ج 3، ص 294.

3- . غررالحکم و دررالکلم، ص 37، شماره ی 1153.

4- . همان، ص 17، شماره ی 450.

5- . صبحي صالح، نهج البلاغه، خطبه ی 226.

ان الدنيا دار صدق لمن صدّقها و...؛(1) دنیا، سرای راستی و درستی است برای کسی که آن را باور دارد و با صدق و صفا با آن برخورد نماید و خانه ی ایمنی و سلامتی است برای کسی که نسبت به آن اهل معرفت باشد و سرای بی نیازی و توانگری است برای کسی که از آن توشه بگیرد و محل پند گرفتن است برای کسی که از آن پند گیرد؛ دنیا سجده گاه و محل عبادت دوستان خدا و محل نماز فرشتگان الهی و جای نزول وحی الهی و تجارت خانه ی اولیای خداست که در آن رحمت خدا را به دست آورده، بهشت را نصیب خود ساختند.

امام باقر(ع) می فرماید:

نعم العون الدنيا علي الاخرة(2)؛ خوب کمکی است دنیا برای به دست آوردن آخرت.

و در جای دیگر می فرماید:

من طلب الدنيا استعفاً عن الناس و توسيعاً علي اهله و تعظفاً علي جاره لقي الله عزوجل يوم القيامة و وجهه مثل القمر ليلة البدر(3)؛ کسی که برای حفظ آبروی خود و بی نیازی از مردم و ایجاد گشایش بر خانواده و لطف به همسایه اش، دنیا را طلب نماید، در روز قیامت خداوند متعال را ملاقات می کند در حالی که صورت او، چون ماه شب چهاردهم است.

ج) روایاتی که دنیا را به دنیای مذموم و ممدوح تقسیم نموده اند؛ مانند این سخن از امام سجاد(ع) که می فرماید:

ص: 49

1- . همان، حکمت 126؛ بحارالانوار، ج 73، ص 129.

2- . بحارالانوار، ج 73، ص 127.

3- . حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 12، ص 11.

حب الدنيا رأس كل خطيئة و الدنيا دنيا ان: دنيا بلاغ و دنيا ملعونة(1)؛ دوستي دنيا، سرمنشأ تمام خطاها و اشتباهات است و دنيا براي اشخاص، دوگونه است، يکي دنيايي که افراد را به مقصد مي رساند و ديگري آن دنيايي که نفرين شده و از رحمت الهي به دور است.

(د) رواياتي که وظيفه ي انسان را در برخورد با دنيا مشخص ساخته اند، شاخص و معياري براي دنياطلبي و آخرت خواهي به ما ارائه مي دهند؛ مانند اين دعا از امام باقر(ع) که مي فرمايد:

اسئلك اللهم الرفاهية في معيشتي ما ابقيتني معيشة اقوي بها علي طاعتك و ابلغ بها رضوانك ... و لا تجعل الدنيا علي سجنائ و لا تجعل فراقها علي حزنا(2)؛ پروردگارا در زندگي ام آن چنان رفاهي قرار ده که با آن بر اطاعت و بندگي تو توانا باشم و خشنودي و رضاييت تو را به دست آورم و دنيا را چون زنداني برايم قرار نده و جدائي از آن را مایه ي اندوه و ناراحتي ام قرار مده.

قرآن کریم روش برخورد صحيح و معقول با دنيا و استفاده از آن را چنین بيان نموده است:

و ابتغ فيما اتيك الله الدار الآخرة و لا تنس نصيبك من الدنيا و احسن كما احسن الله اليك و لا تبغ الفساد في الارض ان الله لا يحب المفسدين(3)؛ با آنچه خداوند به تو عنایت کرده است، خانه ي آخرت را طلب نما و نصيب خود را از دنيا فراموش نکن و همان گونه که خدا به تو نيکي کرده است نيکي کن

ص: 50

1- . بحار الانوار، ج 73، ص 20.

2- . بحار الانوار، ج 97، ص 379.

3- . سوره ي قصص (28)، آيه ي 77.

و هرگز در زمین در جست و جوی فساد مباش؛ زیرا خدا مفسدان را دوست ندارد.

با توجه به مفاد این آیه می فهمیم که استفاده از نعمت های الهی و امکانات مادی، باید در راستای رسیدن به رحمت الهی در آخرت باشد و همواره باید از آنها در راه انجام وظیفه، ادای تکلیف و احسان و نیکی به بندگان خدا استفاده نمود و از ظلم و ستم پرهیز کرد، با توجه به صدر و ذیل آیه، این نکته روشن می شود که اسلام، به هر دو جنبه ی دنیا و آخرت نظر دارد.

بنابراین، با نگاهی جامع به آیات و روایات، به این نتیجه می رسیم که آنچه در دین بی ارزش ترین چیز معرفی گردیده و دستور مؤکد به بی اعتنائی نسبت به آن صادر شده است، آن دنیایی نیست که انسان باید برایش تلاش کند به گونه ای که گویی تا ابد در آن خواهد زیست، (1) و همان دنیایی نیست که مزرعه ی آخرتش خوانده اند؛ بلکه دنیایی مذموم، همان تعلقات نفسانی و متأثر شدن از صفات رذیله ی حرص، کبر، غرور، حسد و جاه طلبی است. اعتقاد به این که حیات انسان منحصر به همین زندگی موقت نیست و در ویرای آن سرای جاودانه ای در پیش است با بهره گیری صحیح و معقول از امکانات و نعمت های الهی، از آنها در جهت رشد و تکامل مادی و معنوی خود و کسب ارزش های والای انسانی استفاده می نمایند و هدف آنها، به عنوان بنده ای صالح و شایسته، کسب رضایت حق تعالی است. بدیهی است که داشتن چنین دیدگاه و روشی، هیچ گاه باعث رکود تولید و مانع رونق

ص: 51

1- . مضمون این روایت از امام مجتبی (ع) : اعمل لدنیاك كانك تعيش ابداً و اعمل لأخريك كانك تموت غداً بحارالانوار، ج 44، ص

اقتصادي نمي شود، بلکه زمينه ساز اجرائي عدالت اجتماعي و توزيع عادلانه ي درآمد خواهد بود و لازمه ي آن، رها کردن دنيا و اختيار رهبانيت و گوشه گيري نيست.

از نظر اسلام، کدام دنياطلبي ممنوع است؟

در سخنان معصومين(ع) به رواياتي برمي خوريم که مشتمل بر هر دو جنبه ي مربوط به دنياست؛ يعني از آن جهت که پست، ناچيز و مذموم است و از جهت اين که مورد ستايش و ممدوح بوده و بايد از امکانات موجود در آن به شايستگي استفاده شود. به چند نمونه از اين روايات اشاره مي نماييم:

پيامبر اکرم(ص) خطاب به اباذر غفاري فرمود:

يا اباذر، الدنيا ملعونة ملعون ما فيها الا من ابتغي به وجه الله...⁽¹⁾؛ اي اباذر، دنيا و آنچه در آن است، بي ارزش و از رحمت الهي به دور است، مگر مقداري که موجب رضاي خداوند متعال گردد.

حضرت علي(ع) مي فرمايد:

الدنيا دار ممر لا دار مقر والناس فيها رجلان: رجل باع نفسه و اوبقها؟ و رجل ابتاع نفسه فاعتقها⁽²⁾؛ دنيا خانه اي است که انسان از آن عبور مي کند، نه محل استقرار دايم و هميشگي؛ مردم در دنيا دو گروه هستند؛ گروهی خودشان را به دنيا فروخته و به عذاب الهي گرفتار مي نمايند و گروهی ديگر، خود را خريده و از قيد دنيا آزاد مي سازند.

از دهمين پيشواي معصوم، امام هادي(ع) روايت است که فرمود:

ص: 52

1- . بحار الانوار، ج 82، ص 87، روايت 3.

2- . ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج 18، ص 329.

الدنيا سوق ربح فيها قوم و خسر آخرون(1)؛ دنیا چون بازاری است که گروهی در آن فایده می برند و دسته ای زیان می بینند.

با توجه به این روایات، نتیجه می گیریم که بالاترین سرمایه ی انسان برای تکامل مادی و معنوی، عمر و حیات و امکانات موجود در این دنیا می باشد که به دو صورت می تواند از آن استفاده نماید، گاهی هدف و توجه انسان به مال، ثروت، مقام و خوشی ها و لذات زودگذر همین دنیا است و برای رسیدن به آنها تلاش می نماید و هدفی جز اشباع غرایز حیوانی و امیال نفسانی ندارد و در دریای کبر، غرور، خودپسندی، جهالت و نادانی غوطه ور است که همان دنیاطلبی مذموم و مورد سرزنش است. شهید مطهری درباره ی بی ارزش بودن دنیا می نویسد:

بی ارزش بودن دنیا از نظر دین، به معنای بی ارزشی مقایسه ای است؛ یعنی، دنیا ارزش ندارد که شما به خاطر آن، اصول اخلاقی و اجتماعی، انسانیت و بزرگواری را از دست بدهید و به دروغ، ظلم، خیانت، پیمان شکنی و تضییع حقوق دیگران مبتلا گردید. بنابراین، تفسیر صحیح این است که دین چنان به اصول، حقوق، عقیده، ایمان و اخلاق اهمیت می دهد که می گوید برای این ها از دنیا و آنچه در آن است باید گذشت. دین با منطق عالی خود، ارزش دنیا را از آنچه هست و همه می فهمند پایین نیاورده، بلکه ارزش معنویت، تقوی، فضیلت و حقوق اجتماعی را که مردم کم تر به آن پی می برند معرفی نموده و بالا برده است. پس بی ارزشی دنیا، بی ارزشی مقایسه ای است که منافاتی با محترم بودن حقوق دنیایی ندارد، بلکه عین احترام به حقوق است و مقررات حقوقی محکم اسلام، شاهدی بر این مطلب است.(2)

ص: 53

1- . بحار الانوار، ج 78، ص 366.

2- . مرتضی مطهری، بیست گفتار، ص 75 - 77.

اسلام به هر دو جنبه ي مادّي و معنوي و به عبارت ديگر، هم به جسم و هم به روح انسان توجه دارد و معتقد است که هر دو بُعد بايد با هم رشد کنند و اگر جامعه اي فقط از جهت معنوي رشد کند و از جهت مادّي، در سطح پاييني باشد، از نظر اسلام مطلوب نيست؛ شاهد اين مدّعا، اتصاف جامعه ي ايده آل اسلامي بعد از ظهور حضرت مهدي (عج) به کثرت برکات و نعمت هاي الهي است. پیامبر اکرم(ص) در اين باره فرمود:

امت من در زمان حضرت مهدي(عج) از چنان نعمتي برخوردار مي گردد که در هيچ زماني مانند آن نبوده است؛ آسمان، برکات خود را نازل و زمين، معادن و منابع خود را ظاهر و خارج مي سازد.⁽¹⁾

چنين جامعه اي از نظر مادّي کمبودي ندارد و هر چه که در استعداد زمين و انسان باشد بازدهي دارد و چنين وضعيّي، نشانه ي توسعه است؛ زيرا بدون آن نمي توان به چنين رشدي دست يافت. از طرف ديگر، اگر جامعه در بعد مادّي رشد نمايد و در بعد معنوي متوقف بماند، باعث سقوط انسانيت مي شود؛ بنا بر اين، وضعيت ايده آل اين است که بُعد مادّي در خدمت بُعد معنوي قرار گيرد.⁽²⁾

شاخص هاي دنياطلبي و آخرت خواهي

مطلب مهمّي که در اینجا بايد مورد توجه قرار گيرد اين است که جهان مادّي براي انسان جذابيت ها و فريبندگي هاي زيادي دارد و بشر، به طور فطري و غريزي، به ثروت و ساير مظاهر اين دنيا علاقه دارد و اگر در صدد اصلاح و تربيت خود بر نيآيد، اين دنيا را هدف دانسته، و با افزون طلبي و سودجويي مفرط، از مقامات و

ص: 54

1- بحارالانوار، ج 51، ص 83، روايت 29.

2- غلامرضا مصباحي، مجله ي معرفت، «ميزگرد دين و توسعه»، تابستان 73، شماره ي 9.

ارزش هايي كه خدای متعال براي يك انسان وارسته در نظر گرفته است باز مي ماند؛ لذا همواره بايد ميآن طلب دنيايي كه وظيفه و تكليف اوست و تلاش و كوششي كه دنيا پرستي محسوب، و موجب بدبختي دنيا و آخرت او مي گردد، تفاوت قائل باشد و براي آن شاخص و معيار و حد و مرزي بشناسد، تا مبدا مصداق آيه ي شريفه ي «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» (1) قرار گيرد.

مردي به امام صادق(ع) گفت:

به خدا سوگند ما براي دنيا تلاش مي كنيم و دوست داريم به آن برسيم.

امام(ع) از او سؤال كرد:

دوست داري آنچه را كه به دست آوردي در چه راهي استفاده كني؟

آن مرد جواب داد:

جهت اداره ي خود و خانواده ام و صله ي رحم و انفاق در راه خدا و سفر حج و عمره استفاده مي نمايم.

امام(ع) فرمود:

چنين روشي، طلب دنيا نيست، بلكه طلب آخرت است. (2)

پيامبر اكرم(ص) مي فرمايد:

ليس من حب الدنيا طلب ما يصلحك (3)؛ طلب آنچه در راه اصلاح (دين و دنيايي) تو باشد، دوستي دنيا محسوب نمي گردد.

ص: 55

-
- 1- .زيان كارترين مردم، كساني هستند كه عمر خود را در زندگي دنيا تباه مي سازند و چنين مي پندارند كه نيكوكارند.. سوره ي كهف (18)، آيه ي 104.
 - 2- .كافي، ج 5، ص 72.
 - 3- .ميزان الحكمة، ج 3، شماره ي 5824.

بنابراین، هر تلاش و کوششی که از نظر مادی و معنوی، به مصلحت فرد باشد و او را از بندگی خدای متعال، به متابعت از هواهای نفسانی و شهوات حیوانی نکشانند و با انگیزه‌ی الهی و به قصد انجام وظایف فردی و اجتماعی انجام گیرد، دوستی دنیا، که سرچشمه‌ی تمام خطاهاست، محسوب نمی‌گردد.

در نتیجه، از نظر اسلام، معیار سعادت انسان در دنیا و آخرت، متابعت از احکام الهی، همراه با به‌کارگیری قوه‌ی تفکر و تعقل، و عامل هلاکت او متابعت از هواهای نفسانی است و آن اموری از دنیا که به دین انسان لطمه می‌زند، باعث از دست رفتن دنیا و آخرت انسان می‌گردد، همان طور که حضرت علی(ع) می‌فرماید:

اگر دین خود را تابع دنیای خود قرار دهی، هر دورا نابود کرده‌ای و در آخرت از زیانکاران خواهی بود، ولی اگر امور دنیایت را بر طبق مقررات دینی تنظیم نمایی، هر دورا به دست آورده، در آخرت از ستمکاران نخواهی بود. (1)

از طرف دیگر، سستی و کاهلی در امور دنیوی، که موجب سربار شدن شخص بر دیگران می‌شود، مورد نکوهش است، چنان که لقمان حکیم در نصایح خود به فرزندش می‌گوید:

فرزندم به گونه‌ای در امور دنیا، وارد نشو که به آخرت تو ضرر برساند و دنیا را چنان رها مساز که سربار مردم باشی. (2)

ص: 56

1- . میزان الحکمة، ج 3، ص 329.

2- . بحار الانوار، ج 73، ص 124.

آيا تأكيد بر زهد، قناعت و صرفه جويي، مانع رسيدن به توسعه ي اقتصادي است؟

سؤال فوق از دو بخش تشكيل شده است؛ لذا به هر قسمت به طور مستقل جواب داده مي شود.

جواب بخش اول: در فرهنگ و اخلاق اسلامي، نسبت به زهد و قناعت، تعريف و تمجيد به عمل آمده و كسب آنها ارزشمند و پسنديده شمرده شده است؛ به طوري كه در روايات از زهد به عنوان كليد هر خير، (1) موجب درك شيريني ايمان در قلب، (2) راحتي در دنيا، (3) هدايت و بصيرت، (4) كليد رحمت هاي الهي و مقامات اخروي، نجات از آتش (5) و به عنوان روش و اخلاق همه ي انبيا ياد شده است (6) و قناعت به عنوان عامل بي نيازي از مردم، (7) دوام نعمت، (8) بهترين كمك بر اصلاح نفس (9) و ثروتي كه هرگز نابود نگردد (10) معرفي شده است.

ص: 57

- 1- . مضمون روايتي از امام صادق(ع)، اصول كافي، ج 2، ص 128 و بحارالانوار، ج 73، ص 49.
- 2- . مضمون روايتي از امام صادق(ع)، همان، ص 49.
- 3- . مضمون روايتي از پيامبر اكرم(ص)، بحارالانوار، ج 73، ص 91، ح 65.
- 4- . مضمون روايتي از پيامبر اكرم(ص)، تحف العقول، ص 42.
- 5- . مضمون روايتي از امام صادق(ع)، بحارالانوار، ج 73، ص 315، ح 21.
- 6- . مضمون روايتي از پيامبر اكرم(ص)، مستدرک الوسائل، ج 12، ص 51، ح 13488.
- 7- . مضمون روايتي از امام صادق(ع)، بحارالانوار، ج 73، ص 178، ح 21.
- 8- . مضمون روايتي از امام كاظم(ع)، همان، ج 78، ص 327.
- 9- . مضمون روايتي از حضرت علي(ع)، ميزان الحكمة، ج 9، ص 300، ش 20205.
- 10- . مضمون روايتي از حضرت علي(ع)، مستدرک الوسائل، ج 15، باب 9، ص 226، ح 18072.

اگر از دو واژه ی زهد و قناعت، معنای ترك دنیا و گوشه گیری از اجتماع و سلب مسئولیت از خود و اكتفا به نان بخور و نمیر اراده شود، از آنجا که گردش چرخ های تولید و صنعت و رونق اقتصادی در جوامع توسعه یافته، بر مبنای تولید هر چه بیش تر همراه با مصرف هر چه زیادتر است؛ لذا ناسازگاری این دو مفهوم با توسعه، امری طبیعی به نظر می آید و ترغیب آن دو مانع توسعه محسوب می شود.

بحث اصلی در اینجا، حد مطلوب استفاده از نعمت های الهی در دنیاست و این که آیا زهد به معنای ناداری و متنعم نبودن است، یا معنای دیگری دارد؟ لذا باید نظر اسلام را درباره ی بهره مندی از دنیا بدانیم تا به طور صریح و روشن بتوانیم درباره ی زهد و قناعت از نظر اسلام و رابطه ی آن با توسعه ی اقتصادی قضاوت نماییم.

زهد و بهره مندی از نعمت ها

زهد و قناعت در راستای دنیاطلبی و آخرت خواهی تفسیر می شود. زهد عبارت است از: عدم تمایل و رغبت به چیزی که نسبت به آن جاذبه و میل طبیعی وجود داشته باشد و انسان در اثر عواملی، اختیاراً نسبت به آن بی رغبتی نشان دهد و زیبایی و ارزش های آن را ناچیز بشمارد. (1)

مفهوم اسلامی زهد از نظر اقتصادی به معنای برداشت کم برای بازدهی زیاد است. (2)

از حضرت علی (ع) روایت است که فرمود:

ص: 58

1- . محمد رضا مهدوی کنی؛ نقطه های آغاز در اخلاق عملی، ص 625.

2- . جهت مطالعه ی بیش تر ر.ک: مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص 210 تا 254.

زهد در این دو جمله از قرآن تفسیر و معنی شده است: تا بر آنچه از گفتان رفت تأسف نخورید و نسبت به آنچه به شما می رسد خوشحال و دل خوش نباشید؛ پس کسی که بر گذشته تأسف نخورده و نسبت به آینده شادی غفلت آمیز نداشته باشد، به طور کامل به این مقام نایل گشته است. (1)

امام صادق(ع) می فرماید:

زهد به معنای ترک هر چیزی است که انسان را از یاد خدا باز می دارد. (2)

بنابراین، اصل زهد، جنبه ی روحی و قلبی دارد و آن عدم دل بستگی و دل خوش نمودن و اطمینان خاطر به نعمت ها و مظاهر دنیوی است و زهد هیچ گاه به معنای ناداری و متنعم نبودن نیست؛ بلکه زاهد واقعی کسی است که مظاهر زیبا و فریبنده ی دنیا او را فریفته و دل باخته ی خود نسازد و توجهش از مادیات دنیا، به عنوان کمال مطلوب و نهایت آرزو، عبور کرده، متوجه اهداف بالاتری گردد. (3) از مجموع آیاتی از قرآن کریم (4) استفاده می کنیم که خداوند دوست دارد که بشر با دیدن نعمت های الهی و استفاده از آنها بر درجات ایمان و معرفت او افزوده شود و از تماشای مناظر زیبای طبیعت لذت برده، از آنها بهره مند گردد؛ (5) نه این که خود را محروم ساخته، تصور نماید چنین محرومیتی مطلوب است؛ حتی در استفاده از نعمت ها، بندگان خوب و صالح خدا بر دیگران مقدم اند. امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

ص: 59

1- . نهج البلاغه، حکمت 439.

2- . بحار الانوار، ج 7، ص 315، ح 4.

3- . با توجه به آیات 22 سوره ی بقره؛ 14، 80 و 81 سوره ی نمل؛ 141 سوره ی انعام و آیاتی از سوره های کهف، فاطر و اعراف.

4- . آیات 172 سوره ی بقره؛ 32 سوره ی اعراف و 87 سوره ی مائده.

5- . دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص 127.

زمانی که نعمت‌ها وفور یافت و دنیا به انسان رو آورد، بندگان شایسته و افراد با ایمان در استفاده از آنها سزاوارترند. (1)

اسلام حتی کار و تلاش برای ایجاد توسعه و گشایش بیش تر در زندگی را مورد ستایش قرار داده و موجب کسب مقامات اخروی و پاداش الهی می‌داند. (2) علاوه بر این، توسعه‌ی امکانات زندگی از نظر کیفی نیز مورد تأکید است؛ به طوری که اسلام زیبایی و آراستگی را از نیازهای بشر دانسته و برای اشباع آن به آراستن خود و زیباسازی زندگی ترغیب نموده است. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و در مقابل، بیچارگی و فلاکت و تظاهر به این حالات را زشت و ناپسند دانسته، دوست می‌دارد وقتی به بنده‌ای نعمت داد او را برخوردار و بهره‌مند، و اثر آن را در زندگی او آشکار ببیند. (3)

آن حضرت در جای دیگر فرمود:

همانا اظهار نعمت الهی در عمل، نزد خداوند، محبوب تر از اظهار آن با سخن است. (4)

رابطه‌ی زهد و قناعت با توسعه

از مجموع بحث‌های گذشته به این نتیجه می‌رسیم که گرچه برخورداري از نعمت‌ها، آراستگی و ایجاد رفاه و آسایش و گشایش در زندگی، از نظر اسلام مطلوب است و محروم نمودن خود از نعمت‌ها و امکانات، مورد نکوهش می‌باشد؛

ص: 60

1- . بحار الانوار، ج 47، ص 232.

2- . مضمون روایتی از امام باقر (ع)، فروع کافی، ج 5، ص 78، ح 5.

3- . حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، ص 341.

4- . اصول کافی، ج 1، ص 471.

اما اگر رفاه و آسایش مایه ی دل بستگی به مظاهر دنیا شود، مطلوب نبوده، بلکه در چنین شرایطی زهد و ترك لذت ها یا کاستن از آنها ضرورت می یابد. هم چنین رفاه و بهبود کیفی زندگی، آنگاه مطلوب است که همه ی مردم، امکان بر خورداری از آن را داشته باشند؛ و در شرایطی که اکثر افراد جامعه در تنگنای فقر اقتصادی باشند، افراد متمکن و مرفه باید دیگران را بهره مند ساخته، زندگی خود را هماهنگ و متناسب با عامه ی مردم قرار دهند. این مطلب، به ویژه درباره ی رهبران جامعه که مسئولیت تدبیر امور و اداره ی جامعه را به عهده دارند، ضرورت پیدا می کند. (1)

بنابراین، کسانی که فکر کرده اند وجود مفاهیمی چون زهد و قناعت و ترغیب به آن در اخلاق اسلامی، با توسعه ی اقتصادی سازگار نیست، یا آن دید کلی و نگرش سیستمی - که با مطالعه ای جامع در جهان بینی، اخلاق و عقاید اسلامی به دست می آید - را مورد غفلت قرار داده و تنها به يك بعد از مطالب توجه نموده اند و یا دو واژه ی زهد و رهبانیت (ترك دنیا) را مترادف گرفته اند.

زهد و قناعت، عامل تسریع توسعه

زهد و قناعت - به معنایی که تبیین شد - نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه می تواند عاملی در جهت تسریع توسعه باشد؛ زیرا جامعه ای که مصارف اضافی خود را حذف و از تشریفات و تجملاتی که براساس نیازهای کاذب و روحیه ی اشرافی گری پدید می آید بر حذر باشد، قادر است پس انداز بیش تری در جهت سرمایه گذاری های لازم برای توسعه داشته باشد. این نکته ای است که ماکس وبر بر روی آن تکیه نموده است؛ زیرا اساساً پیدایش سرمایه داری بر اثر زهد پروتستانتیسم بوده است. پروتستان ها که بازگشت به اخلاقیات و ارزش های مسیحیت اصیل را هدف خود

ص: 61

قرار داده بودند، روی زهد و کم مصرف کردن تأکید داشتند.⁽¹⁾ علاوه بر این، با گسترش روحیه ی قناعت و صرفه جویی در جامعه، امر واردات و صادرات و تراز پرداخت های آن بهبود می یابد و با کم شدن نیازهای وارداتی، حرکت در جهت استقلال کامل اقتصادی تسریع می گردد.

الگوی مصرف ایده آل از نظر اسلام چه ویژگی هایی دارد؟

اشاره

قبل از ورود در بحث ویژگی های مصرف ایده آل از نظر اسلام، مناسب است حدود مصرف از نظر اسلام بیان گردد.

الف) خودداری از اسراف و تبذیر.

یکی از حدود بهره مندی و استفاده از نعمت ها، دوری از اسراف و تبذیر، به معنی خودداری از زیاده روی و ضایع کردن نعمت ها و امکانات است. ممنوعیت اسراف در اسلام باعث می شود که تولید کنندگان و مصرف کنندگان در تصمیم گیری ها، منافع و هزینه های اجتماعی کار خویش را ملاک قرار دهند و به این ترتیب، مصلحت جامعه، ملاک تصمیم گیری واقع می شود، نه فقط منافع شخصی.⁽²⁾

قرآن کریم صریحاً از اسراف نهی کرده⁽³⁾ و مسرفین را اهل آتش⁽⁴⁾ و مبذّرین را به عنوان برادران شیطان معرفی نموده است.⁽⁵⁾ اسراف، نوعی کفران و ناسپاسی

ص: 62

-
- 1- . محمد تقی مصباح، «میزگرد دین و توسعه» مجله ی معرفت، ش 9، تابستان 1373، ص 13.
 - 2- . سید کاظم صدر، نظام های اقتصادی صدر اسلام، ص 40.
 - 3- . «...کلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لا یحب المسرفین». سوره ی اعراف (7)، آیه ی 31.
 - 4- . «... و ان المسرفین هم اصحاب النار». سوره ی مؤمن (23)، آیه ی 43.
 - 5- . «... و لا تبذر تبذیرا ان المبذّرین كانوا اخوان الشیاطین...». سوره ی اسراء (17)، آیه ی 26 و 27.

نعمت های الهی و یکی از عوامل پیدایش فقر برای فرد و جامعه است؛ به این معنی که اگر جامعه ای به اسراف عادت کند، با زیاده روی در مصرف و اتلاف منابع، باعث فقر و احساس نیاز و کمبود در جامعه می گردد که حتی ممکن است این روند موجب گردد همواره دست نیاز جامعه به سوی بیگانگان دراز باشد و در نتیجه استقلال سیاسی و اقتصادی آنها مورد تهدید قرار گیرد.

تبذیر نیز اسراف است که با اتلاف مال همراه باشد؛⁽¹⁾ لذا صرف مال به صورت نامشروع و در راه عیاشی و خوش گذرانی و برگزاری مجالس لهو و لعب و گناه، از مصادیق روشن تبذیر است. کشور ما، از رژیم گذشته، با عدم توجه به بعد کشاورزی و صنعتی و با اتکا بر درآمد نفت و تأمین کمبودها و نیازها از راه واردات، جامعه ای مصرفی بوده و اقتصاد ما حدّ زیادی وابسته به خارج گردیده است؛ لذا نیازمند فرهنگی هستیم که مروج افزایش تولید، کاهش مصرف و صرفه جویی در آن باشد.

(ب) نکوش نقتیر و سخت گیری.

نقطه ی مقابل اسراف (افراط در مصرف) سخت گیری در هزینه ی زندگی و محدود کردن مخارج (تقریط در مصرف) است که با فرض توان بر ایجاد گشایش، مورد نکوش می باشد؛ زیرا هر دو، انحراف از اعتدال و میانه روی هستند. قرآن کریم حتی از افراط و تقریط در انفاقات مالی نهی کرده است و از ما می خواهد حد وسط و اعتدال را رعایت نماییم.⁽²⁾

(ج) دوری از تجمل پرستی و رفاه زدگی.

گرچه استفاده ی معقول از نعمت های الهی از نظر اسلام، مطلوب و مورد تأکید و ایجاد گشایش و رفاه نسبی برای خانواده و نزدیکان و اکتفا نکردن به حداقل نیز برای عموم، مجاز و پسندیده است؛ ولی

ص: 63

1- . مضمون روایتی از حضرت علی(ع) در بحارالانوار، ج 78، ص 97، ح 2.

2- . «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما». سوره ی فرقان (25)، آیه ی 67.

افراط در زیباسازی و هدف قرار گرفتن رفاه و آسایش در زندگی و به دنبال آن، خوش گذرانی و عیاشی بی حد و مرز نیز مورد نکوهش بوده، پیامدهای فردی و اجتماعی نامطلوبی به دنبال دارد؛ زیرا در چنین وضعی، افراد جامعه از یاد خدا غافل و اسیر مظاهر دنیا گشته، به جای شکرگزاری و استفاده ی معقول از نعمت ها، روحیه ی لذت طلبی و خوش گذرانی در آنها اوج می گیرد، تا جایی که به موارد مشروع بسنده نمی کنند و به طغیان و سرکشی می پردازند.⁽¹⁾ در آیات قرآن و روایات، از چنین حالتی به بطر (سرمستی) و ترفه (خوش گذرانی) تعبیر شده است. این گروه، در مقابل انبیای الهی به مخالفت و کارشکنی پرداخته، از نظر فردی معمولاً افرادی آلوده به گناه و ظلم و فساد هستند.⁽²⁾

تجمل پرستی و رفاه زدگی، موجب بی اعتنایی به دیگران، خصوصاً محرومان جامعه می گردد؛ در حالی که از نظر اسلام حیات دنیوی و رفاه، زمانی مطلوب و معقول است که در جهت تأمین سعادت اخروی و کسب رضایت حق تعالی باشد. هدف قرار گرفتن رفاه و آسایش و لذات حیوانی، مانع رشد و تعالی انسان و موجب فساد و تباهی او می گردد.⁽³⁾ تجمل پرستی و رفاه زدگی که معمولاً همراه با اسراف و زیاده روی است، زیان های اجتماعی فراوانی نیز دارد؛ زیرا عیاشی عده ای قلیل، توأم با بی اعتنایی به وضع دیگران، موجب محرومیت عده ی کثیری از افراد جامعه می گردد. حضرت علی(ع) در این زمینه می فرماید:

ص: 64

-
- 1- «كَلَّا ان الانسان ليطغى ان رآه استغنى»، سوره ي علق (96)، آیه ي 6 و 7 «و اذ أنعمنا علی الانسان اعرض و نثا بجانبه ...»، سوره ي اسراء، آیه ي 83.
 - 2- سوره ي اسراء(17)، آیه ي 16 و سوره ي سبأ (34)، آیه ي 24.
 - 3- مضمون آیات 7 و 8 سوره ي یونس (10).

...فما جاع فقير الا بما منع به غني(1)؛ در هيچ كجا فقيري به حال گرسنگي نماند، مگر آن كه ثروتمندي حق فقير را منع كرد و به او نداد.

مصرف ايده آل از نظر اسلام

الف) رعايت اعتدال، قناعت و قدر كفاف در مصرف.

حدّ مطلوب بهره مندي و استفاده از نعمت هاي الهي و مصرف ايده آل از ديدگاه اسلام آن است كه همراه با رعايت اعتدال و قناعت و به ميزان قدر كفاف باشد.

اعتدال و ميانه روي در مصرف، كه در روايات از آن تعبير به قصد و اقتصاد شده است، پرهيز از اسراف و تقتير مي باشد.(2) البته اين حد، نسبت به افراد مختلف و شأن و شخصيت اجتماعي آنان متفاوت است. قناعت به معنای صرفه جويي در مصرف و رضايت به مقداري است كه خداوند متعال، از طريق مشروع و حلال، به عنوان رزق و روزي انسان مقدر نموده است. براي تعريف قدر كفاف، اگر حدّ متوسط درآمد را در نظر بگيريم كه نيازهاي اوليه ي يك خانواده از لحاظ خوراك، پوشاك، مسكن، تحصيل، درمان و غيره را تأمين مي كند (درآمد يا مصرف حداقل)، كساني كه داراي درآمد يا مصرف كم تر از آن باشند، فقير و نيازمند تلقي مي شوند و از بيت المال به آنان كمك مي شود؛ و حدّ كفاف هنگامي است كه مصارف ياد شده از حدّ متوسط

ص: 65

1- . شرح نهج البلاغه، ج 19، ص 240.

2- . امام سجاد(ع) مي فرمايد: «... واحببني عن السرف و الازدياد و قومني بالبذل و الاقتصاد و علمني حسن التقدير...» يعني پروردگارا مرا از اسراف و زياده روي بازدار و به بخشش و ميانه روي قوام ده و حسن تقدير را به من بياموز. جواد فاضل، ترجمه ي صحيفه ي سجاده، دعاي 30.

جامعه بیش تر شده باشد و امکانات مصرفی شخص به درجه ای رسیده باشد که مصرف بیش تر از آن از نظر جامعه، افراط و زیاده روی تلقی شود. (1)

مهم این است که با توجه به شرایط جامعه و میزان تلاشمان، بیش از آنچه فراهم شده است طلب نکنیم؛ چرا که زیاده طلبی و حرص می باشد و انسان را به ذلت می کشاند، یا منجر به تضییع حقوق دیگران و حرکت های ناسالم اقتصادی می گردد؛ و در میزان و کیفیت مصرف، باید مقتضیات زمان و وضع جامعه در نظر گرفته شود. اعتدال و قناعت در مصرف، باعث بقای نعمت (2) و پدید آورنده ی زمینه ی مناسبی برای رشد صفات و کمالات معنوی در انسان است. (3)

ب) انقاقات و رسیدگی به فقرا.

جهان بینی، اخلاق و عقاید اسلامی، مجموعاً سیستم منسجم و هماهنگی است که هر فرد مسلمان، تمام جوانب فردی و اجتماعی زندگی خود را با آن تنظیم می نماید؛ لذا براساس اعتقاد به معاد، پاداش اخروی و کمالات معنوی دیگر، بهره مندی و سود، منحصر به امور مادی و این جهان نیست؛ بنابراین، انسان مؤمن ضمن بهره برداری و استفاده ی شخصی از نعمت ها و امکانات، با در نظر گرفتن تکالیف دینی و با انگیزه ی الهی، حقوق واجب مالی، از قبیل خمس و زکات را ادا نموده، فقر و محرومیت را در سطح جامعه کاهش می دهد و با به دست آوردن رضایت و خشنودی حق تعالی به مقام قرب الهی نایل می گردد.

ص: 66

1- . سید کاظم صدر؛ پیشین، ص 219.

2- . از امام کاظم (ع): « من اقتصد و اقع بقیة علیه النعمة و من بذر و اسرف زالت عنه النعمة»، بحار الانوار، ج 78، ص 327.

3- . از حضرت علی (ع): «اعون شیء علی اصلاح النفس القناعة» میزان الحکمة، ج 10، ش 20205.

آیا اعتقاد به قضا و قدر در میان مسلمانان، مانع رسیدن آنان به پیش رفت های مادی نیست؟

یکی از مسائلی که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است و یکی از پیچیده ترین مسائل فکری و فلسفی، اعتقاد به قضا و قدر است. سؤال مهم و حساسی که در این زمینه برای انسان مطرح است، این است که، آیا انسان می تواند در سرنوشت و تأمین سعادت و خوش بختی آینده و رسیدن به اهداف مورد نظر خود دخالت داشته باشد به این معنی که، آیا اراده و اختیار انسان، نقشی تعیین کننده در زندگی و تعیین مسیر آن دارد، یا او تحت سلطه و سیطره ی يك قدرت نامرئی و فوق العاده مقتدر است و چون ابزاری بی اراده عمل می کند و خواسته یا ناخواسته، به آنچه سرنوشت حتمی اوست خواهد رسید؟

بدیهی است که اخلاق و رفتار کسی که خود را دست بسته و بی اختیار می داند، با کسی که خود را حاکم بر سرنوشت خود و تعیین کننده ی آن می داند متفاوت است؛ زیرا اولی به تنبلی، سستی و بی نظمی در کارها گرایش دارد و اگر مورد اعتراض قرار گیرد، بر اساس برداشت و اعتقادی که دارد، می گوید آنچه باید بشود می شود و من در آن نقشی ندارم؛ ولی دومی به صورت شخصی فعال، با نشاط و امیدوار در صحنه ی اجتماع ظاهر می گردد؛ بنابراین، مسئله از آن جهت که مربوط به اختیار و اراده ی انسان و آزادی و حریت اوست نقش تعیین کننده و حیاتی دارد.

برخی چنین تصور می کنند که اعتقاد به قضا و قدر، مستلزم سلب اختیار از انسان است؛ و از طرفی وجود اختیار برای انسان ها از مبانی حرکت در مسیر توسعه به حساب می آید؛ زیرا در فرهنگ توسعه، انسان، موجودی مختار، دارای اراده، استقلال و نقش آفرین در صحنه ی هستی تلقی می شود. با توجه به این مطلب، سؤال اساسی

در بحث ما این است که آیا اعتقاد به قضا و قدر با اختیار انسان سازگاری دارد یا خیر؟

فرهنگ اصیل اسلامی که مستند به آیات الهی و سخنان معصومین (ع) است، هیچ گاه با برداشت هایی که گرایش به جبر دارند و انسان را به سستی در کارها و سلب مسئولیت از خود سوق می دهند موافق نیست و راه رهایی جامعه از چنین انحرافات را در بالا بردن سطح دانش و آگاهی عمومی، به ویژه نگاهی جامع به همه ی تعالیم مذهبی می داند.

بنابراین، رواج فرهنگ تقدیری، عمدتاً معلول پایین بودن سطح دانش دینی مردم و تمسک به بخشی از دین و رها کردن بخش های دیگر است. از طرف دیگر، نباید نقش حکومت های ستم پیشه را در ترویج فرهنگ جبرگرایی ناچیز شمرد؛ زیرا رواج چنین فرهنگی، همواره مردم را آرام و مطیع حکومت، و صدای هر معترض و مبارزی را، به بهانه ی مخالفت با عقاید دینی، خفه می ساخت. شهید مطهری در این باره می گوید:

تاریخ نشان می دهد که مسئله ی قضا و قدر در زمان بنی امیه مستمسک محکمی برای سیاست مداران اموی بوده است، آنها جداً از مسلک جبر طرف داری می کردند و طرف داران اختیار و آزادی بشر را، به عنوان مخالف با عقیده ی دینی، می کشتند یا به زندان می انداختند. (1)

بنابراین، عامل سیاسی را می توان از مهم ترین عوامل رواج چنین افکاری دانست؛ زیرا اغراض سیاسی حکومت های ستمگر که می خواستند کردار ناشایست خود را توجیه نمایند و توده های ناآگاه را تحت سلطه و سیادتشان قرار داده، از هرگونه

ص: 68

اعتراض و قیامی بازدارند، منوط به گسترش چنین افکاری بود؛ و به راستی می توان جبرگرایی را مهم ترین عامل تخدیرکننده ی ملت ها به حساب آورد. (1)

شایان ذکر است که پیامدهای منفی جبرگرایی، منحصر به امور سیاسی نیست؛ بلکه وجود چنین ایده ای، افراد را در مواجهه با مسائل فردی و اجتماعی، غیر مسئول و تنبل بار آورده، نشاط و سخت کوشی را از آنها سلب می نماید و به دنبال چنین وضعی، رکود فعالیت های اقتصادی و عقب ماندگی در تمام زمینه ها، طبیعی و اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ زیرا افراد، خود را مقهور و مجبور، و امور را از پیش تعیین شده و محترم می دانند و برای خود نقشی در تعیین و تغییر آنها قایل نیستند.

مفهوم دو واژه ی قضا و قدر و حل اشکال

واژه ی قدر به معنای اندازه و کلمه ی تقدیر به معنای سنجش و اندازه گیری و چیزی را با اندازه ی معین ساختن است؛ و واژه ی قضا به معنای یکسره کردن، به انجام رساندن و داوری کردن استعمال می شود و گاهی این دو واژه، به صورت مترادف و به معنای سرنوشت به کار می روند.

منظور از تقدیر الهی آن است که خدای متعال برای هر پدیده ای، اندازه و حدود کمی، کیفی، زمانی و مکانی خاصی قرار داده است که تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی تحقق می یابد؛ و منظور از قضای الهی آن است که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط تحقق یک پدیده، آن را به مرحله ی نهایی و حتمی می رساند.

تمایز مذکور بین قضا و قدر را از روایت زیر می توان استفاده نمود.

اصبغ بن نباته نقل کرده است:

ص: 69

1- . محمد تقی مصباح، آموزش عقاید، ج 1، ص 122 .

حضرت علي(ع) از زیر دیوار شکسته ای که مشرف به خرابی بود برخاست و به دیوار دیگری تکیه داد، شخصی پرسید: یا امیرالمؤمنین آیا از قضای خدا فرار می کنی؟ (یعنی اگر قضای الهی بر مرگ تو در آن لحظه تعلق گرفته باشد، تغییر مکان فایده ای ندارد.)

آن حضرت در جواب فرمود:

آری از قضای خدا به قدر او می گریزم. (1)

علامه طباطبایی در این زمینه می نویسد:

آری، چون قدر خدا مقدورش را حتمی نکرده است امید آن هست که آنچه تقدیر کرده واقع نشود؛ اما قضای خدا، مقتضای خود را حتمی کرده است و دیگر گریزی از آن نیست. (2)

حل اشکال سابق:

پیدایش اشکال مربوط به ناسازگاری اعتقاد به قضا و قدر با مختار بودن انسان، از آنجا سرچشمه می گیرد که اراده و اختیار انسان از سلسله علل و اسباب نظام عالم حذف گردد. خداوند، وجود هر چیز و تحقق هر کاری را از طریق اسباب و شرایط خاص و متناسب با آن مقرر نموده و در انجام کارهایی که مربوط به انسان است، اراده و اختیار هر فرد را آخرین جزء اسباب و شرایط تحقق آن امر قرار داده است و تعلق اراده ی الهی به وجود یک چیز یا انجام یک فعل، با این فرض که آن کار با اختیار فرد انجام شده و در علم خدا با این وصف گذشته باشد؛ یعنی خداوند، قبل از انجام، به آن عالم باشد، موجب سلب اختیار از انسان نمی گردد و این نکته ای است

ص: 70

1- . شیخ صدوق، التوحید، ص 369، ح 8 .

2- . علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 13، ص 72 .

که قایلین به جبر از آن غفلت نموده و نتوانسته اند بین علم سابق الهی و اختیاری بودن کار جمع نمایند.

بنابراین، اعتقاد به قضا و قدر عمومی و این که هر حادثه‌ای، از آن جمله اعمال و افعال انسان، وابسته به قضا و قدر الهی است، مستلزم سلب اختیار از انسان و جبری بودن کار نیست. اعتقاد به قضا و قدر، آنگاه مستلزم جبر است که اراده و اختیار بشر را در کار دخالت ندهیم و قضا و قدر را جانشین نیرو و اراده‌ی بشر بدانیم.

در اسلام قضا و قدر جای اراده و اختیار انسان را نمی‌گیرد؛ و بشر مختار و آزاد آفریده شده و خداوند به او عقل و فکر و اراده داده است و مانند سنگی نیست که آن را از بالا رها کنند و تحت تأثیر جاذبه‌ی زمین، خواه ناخواه به طرف زمین سقوط نماید؛ بلکه او همیشه خود را بر سر دوراهی‌هایی می‌بیند و سرانجام یکی را انتخاب می‌کند. (1)

با توجه به آن که بحث قضا و قدر و اختیار، در دو سطح فرد و جامعه مطرح می‌گردد؛ در ارتباط با توسعه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اگر بینش دین این باشد که سرنوشت هر ملتی از قبل تعیین شده است، به طوری که جبراً به این سرنوشت می‌رسد، چنین قضا و قدری با رسیدن به توسعه سازگار نیست؛ ولی بینش دین دقیقاً بر عکس است؛ یعنی زمانی که سرنوشتی برای یک ملت در نظر گرفته می‌شود، اختیار آن ملت نیز در سلسله علل این سرنوشت قرار دارد؛ (2) پس بینش دینی

ص: 71

1- مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، ص 38 - 41.

2- «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...» یعنی خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.» سوره ی رعد، آیه ی 11 و هم چنین آیات 134 و 141 سوره ی بقره: «تلك امة قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا يفعلون».

این است که امت‌ها با اعمال اختیار خود به این سرنوشت تعیین شده خواهند رسید. در نتیجه، این بینش هیچ‌گاه با توسعه منافات ندارد. (1)

آیا توکل انسان مؤمن و یا جامعه‌ی ایمانی به خداوند، مانع تلاش و کوشش برای رسیدن به وضعیت بهتر نیست؟

توکل و اعتماد بر خدای متعال، یکی از مکارم اخلاق و مظاهر ایمان و از ارکان آن به شمار می‌رود؛ (2) و قرآن کریم آن را یکی از ویژگی‌های افراد با ایمان می‌داند. (3) در رابطه با این بحث ممکن است سؤال شود که وقتی خلقت و تدبیر نظام عالم و همه‌ی کارها به دست خداست و او مسبب‌الاسباب است و ما موظف به توکل و اعتماد بر اویم، دیگر جایی برای تلاش و کوشش و برنامه‌ریزی نیست؛ زیرا با توکل بر خداوند حکیم و توانا، آنچه به خیر و صلاح انسان‌هاست به آنها می‌رسد؛ در حالی که پیمودن مسیر توسعه، تنها با برنامه‌ریزی صحیح و منطقی همراه با تلاش جدی و نظم و انضباط امکان‌پذیر است.

ص: 72

-
- 1- . حسن نظری، «میزگرد دین و توسعه»، مجله‌ی معرفت، شماره 10، پائیز 1373، ص 4 - 7.
 - 2- . مضمون روایتی از امام صادق(ع): «الایمان اربعة ارکان الرضا بقضاء الله و التوکل علی الله»، اصول کافی، ج 2، ص 56.
 - 3- . «و علی الله فلیتوکلوا ان کنتم مؤمنین». سوره‌ی مائده (5)، آیه‌ی 23.

خداوند متعال، نظام اين عالم و گردش امور را بر اساس استفاده از اسباب و وسايل قرار داده است. سير طبيعي انجام هر كاري آن است كه انسان به سراغ اسباب آن برود؛ اما نکته ي مهم و اساسي اين است كه مسبب الاسباب، يعني آن كه اين اسباب را آفريد و براي هر يك جاياگاه و نقش ويژه اي در اين جهان در نظر گرفت و به آنها اثر بخشيد و آنها را در اختيار و استخدام انسان قرار داد، خدائي قادر و توانايي است كه تدبير كل جهان آفريش به دست اوست.

بنابراين، هيچ گاه او را كه سرچشمه ي همه فيوضات و كمالات است، نبايد فراموش كرد و بايد به خاطر داشت كه اسباب و وسايل، در پرتو اراده ي خداوند، مفيد و مؤثر واقع مي شود؛ لذا يك فرد با ايمان گرچه بر اساس نظام حكيمانه ي الهي، كه براي هر چيز اسباب و راهي قرار داده است، در انجام كارها و تأمين نيازها به سراغ آنها مي رود، ولي تكيه گاه اصلي و مايه ي آرامش و اطمينان خاطر او آن وسايل و ابزار نيست، بلكه اعتمادش به خدائي است كه آفريش تمام هستي، از جمله حيات و سلامت انسان به دست اوست. (1) پيامبر اكرم (ص) مي فرمايد:

توكل، علم به اين است كه مخلوق الهي، نفع و ضرر نمي رساند و قادر نيست نعمتي را به ديگري اعطا و يا منع كند و اميدي به او نيست؛ پس هنگامي كه بنده اي چنين علم و رويه اي داشت، كارهايش را فقط براي خدا انجام مي دهد و تنها به او اميد دارد و از غير او نمي ترسد و طمعي به غير خدا ندارد. (2)

مرحوم علامه طباطبائي در اين زمينه مي گويد:

ص: 73

1- . جهت مطالعه ي بيش تر ر.ك: مرتضي مطهري، بيست گفتار، 137-139.

2- . بحار الانوار، ج 69، ص 273 و ج 103، ص 22.

معنای توکل این نیست که شخص، نسبت امور را به خود و یا به اسباب، قطع یا انکار کند؛ بلکه معنایش این است که خود و اسباب را مستقل در تأثیر ندانسته، معتقد باشد که استقلال و اصالت، منحصرأ از آن خدای سبحان است.⁽¹⁾

توکل در واقع شناخت توحید افعالی است و مرتبه‌ی آن به معرفت شخص بستگی دارد، که تا چه اندازه خدا را در زندگی اش می‌بیند و حدّ بالایی آن بر اساس روایات معصومین(ع) آن است که به آنچه نزد خداست بیش تر از آنچه نزد اوست اعتماد داشته باشد. از این جهت، کامل‌ترین انسان کسی است که نیازش را به خدا بیش تر درک نماید.⁽²⁾ شخص متوکل، با اعتقاد به توحید افعالی و ربوبیت الهی بر تمام جهان هستی و با توجه به این که خداوند حامی و پشتیبان اهل حق و افراد با ایمان است و بر هر کاری قادر، و تمام اسباب و وسایل به دست اوست، با آسودگی و اطمینان خاطر و روحیه‌ی سرشار از امید و نشاط به انجام وظیفه می‌پردازد.

فرد با ایمان و متوکل بر خدا نگران آینده نیست؛ ولی بسیاری از افراد متمکن و مرفّه، آسودگی خاطر ندارند؛ زیرا با احتمال وقوع حوادثی چون: سیل، زلزله، سرقت، بیماری، آتش سوزی، جنگ و غیره، اموال آنها مصونیت نداشته، و نگران حال خود در آینده هستند؛ و با این نگرانی‌ها خواب راحت و آسایش خاطر از آنان سلب می‌گردد؛ چون ملجأ و پناهی که هر کاری بر او آسان باشد در نظر ندارند.

بحث مهمی که در اینجا لازم است، درباره‌ی سازگاری و هماهنگی توکل بر خداوند با کار و تلاش در زندگی فردی و اجتماعی است.

ص: 74

1- . محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 11، ص 217 .

2- . محمد تقی مصباح، درسهایی معارف قرآن، جلسه‌ی 98، ص 1044 - 1046 .

معمولاً توهم ناسازگاری مفهوم توکل با توسعه، از این برداشت سرچشمه می‌گیرد که اعتماد بر خدا باعث می‌شود که انسان از تلاش و کوشش باز ایستد و به صورت یک فرد تنبل و سربار جامعه درآید.

البته، این یک برداشت انحرافی از معنا و مفهوم توکل است؛ زیرا بر این فرض قرار دارد که وقتی انسان اعتمادش به خداست، نباید دست به کاری بزند و تلاش و کوشش، خلاف توکل بوده، یا حداقل نیازی به آن نیست.

پاسخ:

باید توجه داشت که معنای توکل کار و تلاش نکردن نیست. توکل در واقع، یک امر قلبی است؛ و کار کردن برای شخص متوکل، انجام وظیفه و اطاعت از اوامر الهی است؛ زیرا او می‌داند که خداوند خواسته است که همه ی افراد بشر با رعایت حدود الهی و با اعتماد بر او تلاش و کوشش نمایند. تفاوت افراد متوکل با دیگران در این است که آنها فقط کار و تلاش را موجب تأمین نیازمندی‌ها می‌دانند؛ ولی افراد متوکل، خدا را کارساز و مسبب الاسباب دانسته، تلاش و کوشش خود را وسیله‌ای می‌دانند که خداوند در تدبیر حکیمانه‌ی نظام این عالم نسبت به آن فرمان داده است. (1)

در قرآن کریم خطاب به پیامبر گرامی اسلام آمده است:

آنگاه که تصمیم بر انجام کار گرفتی، پس بر خدا توکل کن. (2)

ص: 75

1- . همان، ص 1047 - 1048 .

2- . سوره ی آل عمران (3)، آیه ی 59 .

بدیهی است که انسان هنگامی که تصمیم بر انجام کاری می‌گیرد، مقدمات آن را فراهم نموده، با جدیت و تلاش، تا رسیدن به هدف، آن را ادامه می‌دهد؛ لذا قرآن کریم نگفته است که بنشین و دست روی دست بگذار و فقط بر خدا توکل کن.

در روایتی نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) گروهی را دیدند که دست از کار کشیده، به کشت و زراعت نمی‌پردازند. حضرت به آنها فرمود:

شما چگونه هستید (چگونه نیازهای خود را تأمین می‌کنید)؟ جواب دادند: ما توکل کنندگان هستیم.

حضرت در ردّ سخن و شیوه ی آنان فرمود:

شما سربار جامعه و مردم هستید. (1)

با مراجعه به تاریخ زندگی امامان معصوم (ع) می‌بینیم که آنها با این که از مرتبه ی عالی توکل بر خدا برخوردار بودند، ولی برای تأمین معاش و اداره ی زندگی خود و رسیدگی به فقرا و مساکین، از همه ی افراد جامعه جدي تر و پرتلاش تر بودند. (2)

آیا مفهوم رایج رزق مقسوم و اعتقاد به این که روزی هر کس از پیش تعیین شده است، باعث از دست رفتن انگیزه برای دست یابی به تولید بیش تر و رشد و توسعه نیست؟

تضمین رزق و روزی از طرف خداوند متعال، برای همه مخلوقات، به طور صریح، در آیاتی از قرآن آمده است (3) و مقدر بودن آن و رضایت به آن مقدار، مورد

ص: 76

1- . حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 2، ص 228.

2- . ر.ک: شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج 3 و 4، ص 98 و شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 325.

3- . «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا». سوره ی هود (11)، آیه ی 6، و سوره ی عنکبوت (29)، آیه ی 60.

تأکید روایات است. (1) در اینجا ممکن است کسی چنین برداشت نماید که، با توجه به این که خداوند قادر متعال، رساندن روزی هر مخلوقی را به او تضمین و تعهد نموده است، دیگر جایی برای تلاش و کوشش و به زحمت افتادن انسان باقی نیست و کار و کوشش فرد، یک نوع دخالت در مقدرات الهی، و زیاده طلبی محسوب می گردد.

بدیهی است که چنین طرز تفکر و برداشتی با حرکت در مسیر توسعه سازگار نیست، چرا که رسیدن به توسعه ای همه جانبه، به ویژه توسعه اقتصادی، مستلزم برنامه ریزی صحیح و معقول، تلاش و کوشش خستگی ناپذیر و داشتن همتی بلند است؛ و سستی و تنبلی و بی تفاوتی، نتیجه ای جز عقب ماندگی از پیش رفت های علمی و صنعتی و بازماندن از کمالات معنوی به دنبال نخواهد داشت.

بنابراین، باید معنای صحیح رزق مقسوم و مقدر و معنای تضمین روزی از دیدگاه اسلام تبیین گردد، تا بتوان درباره ی سازگاری یا عدم سازگاری اعتقاد به رزق مقسوم با توسعه، قضاوت درستی نمود.

معنای رزق و رزاقیت الهی

از موارد استعمال این کلمه به دست می آید که در معنای آن، نوعی بخشش و عطا وجود دارد و شامل هر سودی که به انسان می رسد، می شود؛ در نتیجه، همه ی مزایای مادی و معنوی زندگی، اعم از: مال، جاه، عشیره، جمال و علم از مصادیق رزق می باشد.

ص: 77

1- . مضمون روایتی از حضرت علی(ع): «عیاله الخلائق ضمن ارزاقهم و قدر اقواتهم»، نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ی 191، ص

بنابراین، روزی هر مخلوق، عطیه ای است که مورد استفاده و بهره ی او قرار گیرد و قهراً آن مقدار از نعمت و موهبت الهی، رزق او محسوب می گردد که مورد استفاده ی او واقع شود. پس اگر کسی مال بسیاری جمع کند که فقط اندکی از آن را استفاده نماید، در واقع، همان مقدار که از آن بهره برده، رزق اوست؛ مگر این که بخواهد به دیگری بدهد، که از جهتی دیگر رزق او محسوب می گردد. بنابراین، وسعت روزی و تنگی آن ارتباطی به زیادی مال و کمی آن ندارد. (1)

تضمین رزق و تلاش و کوشش انسان

اصل تأمین و تضمین روزی، مبتنی بر نوع ارتباط انسان با خداست؛ به این معنا که خداوند متعال، روزی دهنده و متعهد به تأمین روزی انسان است. این اصل به طور صریح و قاطع در قرآن مطرح است؛ و موضوع تضمین روزی، واقعیت تکوینی روشن و اصل مسلم جهان بینی اقتصادی اسلام، می تواند به عنوان یک نظریه ی اقتصادی در مقابل اقتصاددانان بدبینی چون مالتوس قرار گیرد.

بنابراین، هر کس روزی مقدّری دارد که خداوند، حق طبیعی او قرار داده است و اگر به آن دست نیافت، یا خود کوتاهی کرده است و یا دیگران او را از حقی محروم ساخته اند.

با توجه به معنای رزق و رزاقیت، می توان گفت که فکر و تلاش و کوشش انسان برای تحصیل روزی و امرار معاش نیز از شؤون رزاقیت الهی است و حرکتی است در مسیر نظام تکوین و تشریح که خداوند متعال برای این عالم قرار داده است و در صورتی فکر و تلاش ما دخالت در کار خدا محسوب می شد که می توانستیم به جای او خالق نظامات عالم باشیم و آنها را به طور مستقل تغییر دهیم؛ در حالی که

ص: 78

1- . علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج 3، ص 137 - 141 .

چنین حرکتی از یک مخلوق میسر نیست؛ ولی فکر و تلاش در راه به دست آوردن رزق و روزی و حفظ حقوق فردی و اجتماعی، حرکت بر طبق مشیت و خواست خداوند، و سکون و تنبلی در این راه، مسامحه در اجرای دستورات الهی و اراده‌ی تشریحی اوست.

بنابراین، با شناخت رابطه‌ی بین روزی و استفاده‌کننده‌ی آن و هماهنگی بین آن دو و این که وسایلی برای رسیدن به روزی قرار داده شده است، باید بدانیم که ما برای به دست آوردن آن، تکلیف و مسئولیت هم داریم؛ یعنی باید از بهترین و سالم‌ترین راه، روزی خود را که خداوند برایمان مقدر نموده است به دست آوریم.

بررسی روایاتی در بحث

آن دسته از روایات که تلاش برای کسب روزی و اداره‌ی آبرومندانه‌ی زندگی را یک تکلیف شرعی می‌داند و فواید مادی و پاداش اخروی تلاش و کوشش در این راه را متذکر می‌گردد، شاهد و دلیلی بر بحث گذشته است. امام صادق(ع) می‌فرماید:

تلاش برای به دست آوردن روزی حلال را رها مکن؛ همانا دست یابی به روزی حلال، کمکی است بر اطاعت از دستورات الهی. (1)

حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید:

برای به دست آوردن رزق خود تلاش نمایند؛ همانا تضمین رزق و روزی برای کسانی است که آن را طلب نمایند. (2)

در روایت دیگری از امام صادق(ع) آمده است:

ص: 79

1- العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 125 .

2- بحار الانوار، ج 71، ص 137 - 138 .

دعای کسی که در منزل بنشیند و بگوید: «پروردگارا روزی مرا برسان»، به اجابت نمی رسد و از طرف خدا به او گفته می شود: آیا برای طلب روزی به تو فرمان ندادم؟ (1).

آثار ارزنده ی اعتقاد به رزق مقسوم در فرایند توسعه

فرد با ایمان، با اطمینان به تضمین رزق و روزی خود از طرف خداوند قادر متعال و تلاش برای به دست آوردن آن، نسبت به آینده ی خود، هیچ گونه اضطراب و نگرانی ندارد (2) و با چنین روحیه ای، زندگی دنیوی او گوارا و با آسایش و آسودگی خاطر خواهد بود. (3)

با رواج چنین فرهنگ و اعتقادی در کل جامعه، زمینه ی حرکت های ناسالم اقتصادی (مانند: احتکار، گران فروشی، کنز ثروت و راکد گذاردن سرمایه ها) که ریشه در حرص و افزون طلبی دارد، از بین خواهد رفت؛ چرا که افراد با ایمان می دانند رزق و روزی حلال و مقدر الهی، با حرص و طمع افزایش نمی یابد. (4)

با حاکم بودن چنین فرهنگ و اعتقادی، افراد جامعه با خوش بینی و حسن ظن به نظام حاکم بر طبیعت و با امید و نشاط و تلاش جدی به انجام مسئولیت های فردی و اجتماعی خود می پردازند و بدیهی است که اگر سستی و تبلی و بی تفاوتی در جامعه، ضد ارزش جلوه گر شود، زمینه های فکری و فرهنگی رشد و توسعه فراهم گشته، بسیاری از موانع از سر راه برداشته می شود.

ص: 80

1- . همان، ج 103، ص 12، ح 53.

2- . از پیامبر اکرم (ص): لا تهتم لرزق غد فان کل غد یأتي برزقه، بحار الانوار، ج 77، ص 69، ح 6.

3- . مضمون روایتی از حضرت علی (ع)، میزان الحکمة، ج 4، ص 146، ش 7322.

4- . مضمون روایتی از پیامبر اکرم (ص)، بحار الانوار، ج 77، ص 63، ح 4.

آیا اعتقاد به جاودانگی قوانین اسلام، مانع هماهنگی با مقتضیات زمان و رسیدن به پیش رفت های مادی و حرکت در مسیر رشد و ترقی نیست؟

گاهی در بررسی مسائل توسعه و موانع آن، گفته می شود، از آنجا که علم و صنعت و فنون مختلف، طی چند قرن اخیر، پیش رفت های چشم گیر و تحولات عمیقی داشته و انسان در زمینه های گوناگون (چون: حمل و نقل، ارتباطات، ابزار و وسایل دفاعی، علوم فضایی و دریا نوردی، مسائل پزشکی و استفاده از انرژی اتمی، ساخت ماشین آلات و وسایل روزمره ی زندگی و...) به ابتکارات و اختراعات زیادی دست یافته است، اداره ی جوامع کنونی با روابط پیچیده ی آن، قوانین و مقررات جدیدی را می طلبد، لذا قوانین و مقرراتی که چهارده قرن قبل، از طرف اسلام، برای هدایت و اداره ی زندگی بشر آورده شده است، چگونه می تواند خود را با مقتضیات زمان تطبیق داده، پاسخ گوی نیازهای متنوع عصر جدید باشد و همگام با دنیای روز و جوامع مدرن، زمینه ساز توسعه ای همه جانبه گردد.

از طرف دیگر، می دانیم که دین الهی آن است که خداوند توسط پیامبرانش برای هدایت انسان نازل کرده است؛ و مجموع نظریاتی که ما آن را به متون دینی مستند می کنیم، نباید زاید و اضافه بر مجموع دین و یا احیاناً مخالف با بعضی از مسلمات آن باشد؛ بنابراین، اصلاح طلبی و نوآوری در دین، تعبیر صحیحی نیست؛ زیرا دین کامل با کتاب آسمانی اصیل و تحریف نشده، نیاز به تکمیل، اصلاح و تغییر ندارد. (1)

ص: 81

البته با فهم عمیق و جامع و شناخت کامل دین، می توان فرهنگ حاکم بر جامعه را اصلاح نمود.

انسان، به طور طبیعی، هر چیز تازه و نوینی را بر کهنه و فرسوده ترجیح می دهد؛ ولی این مطلب کلیت ندارد و این رویه را در همه جا نمی توان اعمال نمود؛ مثلاً نمی توان گفت که چون عصر مسافرت با اسب و شتر و الاغ گذشته است و مردم با هواپیما و اتومبیل های تندرو سفر می کنند، لزوم رعایت صدق، وفا، امانت داری، و سایر صفات حمیده و هم چنین مسائل مربوط به خرید و فروش، اجاره و دیگر قراردادهای اجتماعی، همه باید عوض شود و یا جدول فیثاغورث، چون دوهزار سال از آن گذشته، دیگر کهنه شده است و قابل استفاده نیست. (1)

به طور کلی، کهنگی در قوانینی که حقایق را بیان می کند، راه ندارد و اگر قانونی مطابق با سرشت انسان باشد، همیشه باقی است و اسلام راهی است که دستگاه آفرینش به انسان نشان داده و آیین و مقرراتی است که با طبیعت ویژه ی انسان، مطابقت و هماهنگی دارد و می تواند پاسخ گوی نیازهای واقعی انسان در هر زمان باشد و بدیهی است که انسان، در هر زمان و مکان و با هر وضعی که زندگی کند، همین طبیعت و فطرت انسانی خود را دارد؛ (2) اما مقرراتی که مربوط به حوادث روزمره ی زندگی است، به تدریج مورد نیاز واقع می شود و با تغییر شرایط، عوض می گردد (مانند: احکام مالی، انتظامی و نظامی مربوط به حفظ امنیت و دفاع از کشور، مسائل مربوط به ارتباطات، اداره ی شهرها و ...) این ها احکامی است که زمام آن به دست والی و متصدی حکومت است. او می تواند در قلمرو حکومت و ولایتش،

ص: 82

1- . مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج 1، ص 12.

2- . علامه طباطبایی، فراهایی از اسلام، ص 213 - 216 .

همان تصمیمی را بگیرد که صاحب خانه درباره ی خانه اش می گیرد؛ مشروط بر آن که این تصمیم گیری ها به مصلحت جامعه باشد و برای ایجاد روحیه ی تعاون و همکاری، از نظر دیگران استفاده نموده، برنامه ها را با مشارکت عموم به اجرا درآورد. (1)

توضیح بیش تر آن که، احکام ثابت اسلام، در واقع پاسخ به نیازهای ثابت انسان است، نیازهایی چون: ضمانت معیشت، حق استفاده از ثروتی که با کار و تلاش به دست می آید، تأمین شرایط لازم برای بقای نسل، تضمین امنیت جانی و مالی و ارتباط و تعلق به موجود مطلق؛ که احکامی چون: مسائل مربوط به توزیع ثروت، ازدواج، طلاق، حدود، قصاص و مسائل عبادی، در پاسخ به آن نیازها وضع گردیده است.

در مقابل، دسته ای از احکام، ثابت و دائمی نیستند، بلکه راه تغییر در آنها باز است و اسلام به ولی امر اجازه داده است، تا بر طبق مصالح و در پرتو احکام ثابت، آن را تعیین کند؛ و آنچه این احکام را برای ولی امر معین می سازد شرایط و مقتضیات زمان و مکان و مصالح جامعه است. (2)

هماهنگی با مقتضیات زمان از نظر اسلام

اسلام با استخدام ابزار و وسایل در راه هوس ها و شهوات مخالف است؛ ولی استفاده از ابزار بهتر و کامل تر، برای رسیدن به اهداف مشروع، جزء تقاضاهای زمان است که اگر انسان خود را با آن هماهنگ نسازد زیان می بیند؛ زیرا دیگران برای

ص: 83

1- . علامه طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج 4، ص 129.

2- . محمود زمانی، مجله ی نقد و نظر، «مقاله نقش زمان و مکان در اجتهاد از دیدگاه شهید صدر» (زمستان 1374)، ص 229 - 230.

رسیدن به اهداف شیطانی و در جهت قدرت طلبی و شهوات نفسانی خود از آن استفاده می‌کنند و اهل حق اگر این وسایل را برای رسیدن به اهداف متعالی و ارزشمند خود به کار نگیرند، عقب می‌مانند و شکست می‌خورند؛ مثل استفاده از رادیو، تلویزیون، فیلم، سینما و سایر وسایل ارتباط جمعی که با آن می‌توان پیام حق، احکام الهی، مصالح و مفاسد جامعه، فضایل اخلاقی و اسرار خلقت و درس توحید را به گوش مردم جهان رساند و سطح فرهنگ و دانش جامعه را بالا برد و اگر ما از آنها استفاده نکنیم، دیگران در راه رسیدن به اهداف فاسد خود از آن بهره گرفته، تسلط خود را بر جوامع اسلامی، تحکیم و تداوم می‌بخشند. (1)

پاسخ گویی قواعد فقهی به نیازهای هر عصر

از ویژگی‌های اسلام این است که اموری را که بر حسب نیازهای زمان تغییر می‌کند، یعنی حاجت‌های متغیّر را به حاجت‌های ثابت پیوند داده و بین آنها رابطه برقرار کرده است و یک فقیه اسلام شناس، قادر است این ارتباط را از راه استنباط ملاک‌ها و معیارهای احکام کشف نماید؛ البته ملاک و معیار، باید قطعی و مطابق با نصّ دلیل باشد.

این همان قوه‌ی محرکه‌ی اسلام است که در ساختمان خود، بدون این که با روح دستوراتش مخالفتی شده باشد، خود از تحرک و پویایی برخوردار است؛ به این معنی که، قواعد کلی و اصول ثابتی دارد که احکام متغیّر را به رعایت این اصول ثابت وابسته کرده است. یکی از قواعدی که در فقه کاربرد زیاد دارد و پاسخ‌گویی بسیاری از مسائل جدید، به ویژه در مرحله‌ی تراحم بین دو عمل واجب و حرام است، قاعده‌ی «اهم و مهم» است که بر اساس آن، به فدا نمودن مهم برای رسیدن به امر

ص: 84

اهمّ حکم می شود. قواعد دیگری مانند «نفي ضرر» و «عسر و حرج»، وجود ضرورت و مصلحت همراه با حجیت عقل، مجاز بودن اجتهاد و مؤثر دانستن تغییرات زمان و مکان در آن و فرق بین اصول ثابت و متغیر و احکام حکومتی سبب می شود که فقه اسلامی و قوانین و مقررات آن از انعطاف لازم برخوردار بوده، پاسخ گوی نیازها و مشکلات هر عصر و زمانی باشد و به عنوان يك دستورالعمل جامع زندگی، برای همیشه بتواند در اداره ی صحنه های مختلف جامعه حضور داشته باشد.

اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن

تفقه در استنباط احکام و مقررات اسلامی بر اساس ادله ی شرعی را می توان اجتهاد نامید؛ و در هر زمانی وجود مجتهدین و افراد متخصص و کارشناس در امور دینی ضرورت دارد، تا اصول اسلامی را با مسائل متغیر و پدیده های جدیدی که در هر عصر حادث می شود تطبیق دهند و حکم شرعی آن را استخراج نمایند؛ زیرا شریعت، تئوری واقعی و عملی برای هدایت انسان ها و اداره ی جوامع بشری، و اجتهاد نیروی محرکه ی اسلام در پاسخ گویی به نیازهای متغیر زمان است.⁽¹⁾

هنگامی که صحبت از زمان و مکان در اجتهاد به میان می آید معنای حقیقی زمان و مکان مورد نظر نیست؛ چون زمان و مکان به این معنا هیچ تأثیری در حکم شرعی ندارد و تغییر آنها باعث تغییر حکم شرعی نمی شود؛ بلکه مراد، اوضاع و احوالی است که در زمان و مکان پدید آمده و حکم شرعی یا موضوع آن را متعین می سازد

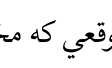
ص: 85

1- . محمد هادی معرفت، چکیده ی مقالات، «نقش زمان و مکان در اجتهاد»، ص 53 - 54 .

و تغییر آن باعث تغییر حکم و موضوع حکم شرعی می گردد و زمان و مکان، بستر وجودی این اوضاع و احوال است. (1)

یکی از موارد تغییر موضوع، مسئله ی خرید و فروش خون است، که در گذشته منفعت حلال و عقلایی برای آن وجود نداشت و حرام بود؛ ولی اکنون، با پیش رفت علوم پزشکی، منفعت عقلایی مهمی پیدا کرده است و گاهی با یک کیسه ی آن می توان جان انسانی را نجات داد که فقها حکم به جواز خرید و فروش آن می نمایند. (2)

در خاتمه به تناسب، جواب را با کلامی از امام خمینی (قدس سره) که قایل به ولایت مطلقه ی فقیه بودند، درباره ی دایره ی اختیارات ولی فقیه، به پایان می بریم:

حکومت می تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می تواند هر امری را - چه عبادی یا غیر عبادی - که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن - مادام که چنین است - جلوگیری کند. حکومت می تواند، از حج که از فرایض مهم است، در  موقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی است، موقتاً جلوگیری کند. (3)

ص: 86

1- . محمود زمانی، همان، ص 196 .

2- . ناصر مکارم شیرازی، نقد و نظر، (سال دوم، شماره ی 5، زمستان 1374)، ص 11 .

3- . امام خمینی، صحیفه ی نور، ج 20، ص 171 .

1. قرآن کریم.
2. نهج البلاغه .
3. نهج الفصاحه.
4. صحیفه ی سجادیه، ترجمه ی جواد فاضل.
5. غررالحکم و دررالکلم، سخنان امیرالمؤمنین - علیه السلام - ترجمه ی محمد علی انصاری.
6. آوینی، مرتضی؛ توسعه و مبانی تمدن غرب، چاپ اول، تهران: انتشارات حفظ و نشر آثار دفاع مقدس وزارت جهاد سازندگی، 1372.
7. ابن ابی الحدید؛ شرح نهج البلاغه، جلد 18 و 19.
8. ابن اثیر، عزالدین؛ اسدالغابة في معرفة الصحابة، ج 2، بیروت: دارالفکر، 1409، هـ.
9. اسعدي، سيد حسن؛ بحران غذا، ناشر، اسعدي، 1364.

10. تودارو، مايكل؛ توسعه اقتصادي در جهان سوّم، ترجمه ي غلامعلي فرجادي، ج 1، چاپ دوّم، تهران: انتشارات برنامه و بودجه.
11. جعفریان، رسول؛ نزاع سنت و تجدد، انتشارات رثوف، 1371.
12. حاج فتحعلي ها، عباس؛ توسعه تکنولوژي، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائي، 1372.
13. حداد عادل، غلامعلي؛ «سکولاريزم و دين داري». مجله ي طب و تزکيه، شماره ي 10 و 11.
14. حرّ عاملي؛ وسائل الشيعه، جلدهاي 3، 12 و 17.
15. حسام الدين الهندي، علاء الدين؛ کنز العمال، ج 3، بيروت: مؤسسة الرسالة، 1409 هـ - ق.
16. دفتر همکاري حوزه و دانشگاه؛ درآمد بر اقتصاد اسلامي، چاپ سلمان فارسي، 1363.
17. -----؛ مباني اقتصاد اسلامي، تهران: سمت، 1371.
18. روزنامه ي جمهوري اسلامي؛ شماره ي 1633.
19. زماني، محمود؛ مجله ي نقد و نظر، «مقاله ي نقش زمان و مکان در اجتهاد از دیدگاه شهيد صدر»، زمستان 1374.
20. سريع القلم، محمود؛ توسعه ي جهان سوّم و نظام بين الملل، نشر سفير، چاپ سوّم، 1375.
21. 6. شعبه حرّاني، ابو محمد الحسن بن علي؛ تحف العقول، منشورات المطبعة الحيدرية، 1385 هـ - ق.
22. شوماخر، اي اف؛ کوچک زيباست، ترجمه ي علي رامين، چاپ دوّم؛ تهران: سروش، 1365.

23. صدر، سيد كاظم؛ نظام هاي اقتصادي صدر اسلام، دانشگاه شهيد بهشتي.
24. صدوق، محمد بن علي بن الحسين؛ التوحيد، مؤسسة النشر الاسلامي، 1357.
25. -----؛ من لا يحضره الفقيه، ج 3 و 4، انتشارات جامعه ي مدرسین، 1363.
26. طباطبائي، محمد حسين؛ تفسير الميزان، ج 3، 4، 11 و 13، چ دوم، قم: اسماعيليان، 1392 هـ - ق.
27. -----؛ فراهيبي از اسلام، انتشارات جهان آرا، بي تا.
28. طوسي، محمد بن الحسن؛ تهذيب الاحكام، چ چهارم، دارالكتب الاسلاميه، 1399 هـ - ق.
29. العروسي الحويزي، عبد علي؛ تفسير نورالثقلين، ج 5، قم: المطبعة العلميه، بي تا.
30. عظيمي، حسين؛ مدارهاي توسعه نيافتگي در اقتصاد ايران، چاپ اول، تهران: نشر ني، 1371.
31. فاضل، جواد؛ ترجمه ي صحيفه سجاديه، تهران: انتشارات اميركبير.
32. قرباني، زين العابدين؛ تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي.
33. قره باغيان، مرتضي؛ اقتصاد رشد و توسعه، ج 1، تهران: نشر ني، 1370.
34. كليني، محمد يعقوب؛ اصول و فروع كافي، جلد 1، 2 و 5.
35. كيندل برگر، چالز؛ توسعه ي اقتصادي، ج 1، ترجمه ي رضا صدوقي، چاپ اول، انتشارات مدرسه عالي مديريت گيلان، 1354.
36. محمدي ري شهري، محمد؛ ميزان الحكمه، جلد هاي 3، 6، 8، 9 و 10.
37. محمدي عراقي، محمود؛ مجموعه ي مقالات سمينار جامعه شناسي توسعه، چاپ اول، تهران: سمت، 1373.

38. مجلسي، محمد باقر؛ بحارالانوار، جلدهاي 1، 3، 7، 19، 44، 47، 51، 69، 71، 73، 77، 78، 82، 87، 97 و 103.
39. مصباح، محمدتقي؛ آموزش عقائد، ج 1، تهران: سازمان تبليغات اسلامي، 1365. 40. -----؛ جزوه درس هاي معارف قرآن، مؤسسه ي در راه حق، 1362. 41. -----؛ ميزگرد دين و توسعه، مجله ي معرفت، شماره ي 9، تابستان 1373.
42. مصباحي، غلامرضا؛ مجله ي معرفت، ميزگرد توسعه، شماره ي 9، تابستان 1373.
43. مطهري، مرتضي؛ اسلام و مقتضيات زمان، ج 1، انتشارات صدرا، 1368.
44. -----؛ انسان و سرنوشت، قم: انتشارات صدرا، بي تا.
45. -----؛ بيست گفتار، قم: انتشارات صدرا، 1358.
46. -----؛ سيري در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، بي تا.
47. معرفت، محمدهادي؛ چكيده ي مقالات، (نقش زمان و مكان در اجتهاد)، كميته ي علمي كنگره ي بررسي مباني فقهي امام خميني (ره)، اسفند 1374.
48. مكارم شيرازي، ناصر؛ مجله ي نقد و نظر، سال دوّم، شماره ي 5، زمستان 1374.
49. موسوي الخميني؛ صحيفه ي نور، رهنمودهاي امام خميني (ره)، ج 20، انتشارات سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامي، 1369.
50. موسوي المقرّم، عبدالرزاق؛ مقتل الحسين، جلد 5، بيروت: دارالكتب الاسلاميه، 1399 هـ - ق.
51. مهديوي كني، محمدرضا؛ نقطه هاي آغاز در اخلاق عملي، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، 1378.
52. نظري، حسن؛ «ميزگرد دين و توسعه»، مجله ي معرفت، شماره ي 10، پاييز 1373.

53. نوري، حسين؛ مستدرک الوسائل، ج 12، 15 و 20، بيروت: آل البيت الحياء التراث، 1408، هـ - ق.

مفهوم توسعه به معنای مصطلح امروزی، مفهومی نو و پیچیده و متکثر است.

نظام اسلامی ایران، وقتی می تواند به صورت عینی از جامعیت اسلام دفاع کند که پاسخ گوی نیازهای امروز جامعه باشد و با برنامه ریزی و سازمان دهی به توسعه همراه با سعادت دنیوی و اخروی دست یابد.

عینیت بخشیدن به این ارمان مهم، به حل چالش های فکری و اعتقادی در زمینه توسعه یافتگی بستگی دارد.

نوشتار حاضر، پژوهشی است در پاسخ به پرسش هایی هم چون:

معنای توسعه از دیدگاه غرب و اسلام چیست؟

توسعه اقتصادی در اسلام یک هدف است یا وسیله؟

آیا توسعه همراه با تکنولوژی پیش رفته، با ارزش های اخلاقی ناسازگار است؟

آیا آخرت گرایی مانع توسعه است؟

آیا تأکید بر زهد و قناعت، مانع توسعه اقتصادی است؟

توکل بر خدا و اتقاد به قضا و قدر چگونه با توسعه سازش دارد؟

ص: 91

فصل دوم: زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه 6

فصل سوم: بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه 6

فصل اول: 4

تعاریف و مباحث زیربنایی 4

چند تعریف از توسعه: 6

تعریف نهایی و مورد نظر، از توسعه: 7

ویژگی های مورد نظر: 7

تعریف نهایی و مورد نظر از توسعه اقتصادی 7

توسعه اقتصادی در اسلام، یک هدف است یا وسیله؟ 8

آیا توسعه با همراهی با تکنولوژی پیش رفته و مدرن، با ارزش های اخلاقی ناسازگار است؟ 10

تحلیل و بررسی مطلب: 10

آیا می توان با پای بندی به ارزش های اخلاقی، به توسعه که بر دنیا طلبی، انباشت سرمایه و سودگرایی شخصی استوار است دست یافت؟

12

مبانی فرهنگی لازم برای توسعه اقتصادی چیست؟ 13

الگوی توسعه در کشورهای غربی، چه عواقب و پیامدهای منفی و مثبتی را به همراه داشته است؟ 17

پیامدهای منفی توسعه با الگوی غرب 19

برخی با مطرح کردن تفکر عدم سازش علم با دین، جدایی دین از سیاست (سکولاریزم) را، راه دست یابی به توسعه می دانند؛ علت

پیدایش این تفکر چیست و چه ارتباطی با توسعه دارد؟ 23

تعریف سکولاریزم 25

ریشه های تاریخی سکولاریزم 25

زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه 32

آیا اسلام موافق و مشتوق توسعه است؟ کدام مفاهیم اسلامی توسعه را تسهیل و ترغیب می کنند؟ .Error! Bookmark not defined

اهمیت عزت جامعه ی اسلامی .Error! Bookmark not defined

برتری و عزت جامعه ی اسلامی چه نقشی در جهت دست یابی به توسعه ی مورد نظر اسلام دارد؟ 32

نظر اسلام نسبت به کار و تلاش به عنوان یکی از عوامل تولید چیست؟ و چه محدودیت هایی برای آن قایل است؟ 35

منع افراط و تفریط در کار: 38

ملاحظه می شود که در جوامع اسلامی، امر تولید و نیز سایر عرصه های اقتصادی، از اتقان لازم برخوردار نیست، که این امر، به نحوی به انضباط اقتصادی و تولیدی لطمه می زند؛ توصیه ی اسلام به مسلمانان در این موارد چیست؟ 39

اهتمام به نظم و انضباط 40

آثار اقتصادی وجود نظم 41

فصل سوم: 47

بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه 47

آیا دیدگاه اسلام نسبت به دنیا و آخرت - که دنیاطلبی را نفی و آخرت گرایی را ترویج می نماید - یکی از موانع رسیدن جوامع اسلامی به توسعه و پیش رفت مادی نیست؟ 47

از نظر اسلام، کدام دنیاطلبی ممنوع است؟ 52

شاخص های دنیاطلبی و آخرت خواهی 54

آیا تأکید بر زهد، قناعت و صرفه جویی، مانع رسیدن به توسعه ی اقتصادی است؟ 57

توهم ناسازگاری زهد و قناعت با توسعه 58

زهد و بهره مندی از نعمت ها 58

رابطه ی زهد و قناعت با توسعه 60

زهد و قناعت، عامل تسریع توسعه 61

الگوی مصرف ایده آل از نظر اسلام چه ویژگی هایی دارد؟ 62

مصرف ایده آل از نظر اسلام 65

آیا اعتقاد به قضا و قدر در میان مسلمانان، مانع رسیدن آنان به پیش رفت های مادی نیست؟ 67

مفهوم دو واژه ی قضا و قدر و حل اشکال 69

آیا توکل انسان مؤمن و یا جامعه ی ایمانی به خداوند، مانع تلاش و کوشش برای رسیدن به وضعیت بهتر نیست؟ 72

تحلیل و تعریف مفهوم توکل 73

طرح اشکال: 75

پاسخ: 75

آیا مفهوم رایج رزق مقسوم و اعتقاد به این که روزی هر کس از پیش تعیین شده است، باعث از دست رفتن انگیزه برای دست یابی به تولید بیش تر و رشد و توسعه نیست؟ 76

معنای رزق و رزاقیت الهی 77

تضمین رزق و تلاش و کوشش انسان 78

بررسی روایاتی در بحث 79

آثار ارزنده ی اعتقاد به رزق مقسوم در فرایند توسعه 80

آیا اعتقاد به جاودانگی قوانین اسلام، مانع هماهنگی با مقتضیات زمان و رسیدن به پیش رفت های مادی و حرکت در مسیر رشد و ترقی نیست؟ 81

هماهنگی با مقتضیات زمان از نظر اسلام 83

اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن 85

کتابنامه 87

ص: 92

برخي با مطرح کردن تفکرِ عدمِ سازشِ علم با دین، جدایی دین از سیاست (سکولاریزم) را، راه دست یابی به توسعه می دانند؛ علت پیدایش این تفکر چیست و چه ارتباطی با توسعه دارد؟ 23

تعریف سکولاریزم 25

ریشه ی تاریخی سکولاریزم 25

فصل دوم: 32

زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه 32

آیا اسلام موافق و مشوق توسعه است؟ کدام مفاهیم اسلامی توسعه را تسهیل و ترغیب می کنند؟ Error! Bookmark not defined.

اهمیت عزت جامعه ی اسلامی Error! Bookmark not defined.

برتری و عزت جامعه ی اسلامی چه نقشی در جهت دست یابی به توسعه ی مورد نظر اسلام دارد؟ 32

نظر اسلام نسبت به کار و تلاش به عنوان یکی از عوامل تولید چیست؟ و چه محدودیت هایی برای آن قایل است؟ 35

منع افراط و تفریط در کار: 38

ملاحظه می شود که در جوامع اسلامی، امر تولید و نیز سایر عرصه های اقتصادی، از اتقان لازم برخوردار نیست، که این امر، به نحوی به

انضباط اقتصادی و تولیدی لطمه می زند؛ توصیه ی اسلام به مسلمانان در این موارد چیست؟ 39

اهتمام به نظم و انضباط 40

آثار اقتصادی وجود نظم 41

ص: 93

بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه 47

آیا دیدگاه اسلام نسبت به دنیا و آخرت - که دنیاطلبی را نفی و آخرت گرایی را ترویج می نماید - یکی از موانع رسیدن جوامع اسلامی به توسعه و پیش رفت مادی نیست؟ 47

از نظر اسلام، کدام دنیاطلبی ممنوع است؟ 52

شاخص های دنیاطلبی و آخرت خواهی 54

آیا تأکید بر زهد، قناعت و صرفه جویی، مانع رسیدن به توسعه اقتصادی است؟ 57

توهم ناسازگاری زهد و قناعت با توسعه 58

زهد و بهره مندی از نعمت ها 58

رابطه ی زهد و قناعت با توسعه 60

زهد و قناعت، عامل تسریع توسعه 61

الگوی مصرف ایده آل از نظر اسلام چه ویژگی هایی دارد؟ 62

مصرف ایده آل از نظر اسلام 65

آیا اعتقاد به قضا و قدر در میان مسلمانان، مانع رسیدن آنان به پیش رفت های مادی نیست؟ 67

مفهوم دو واژه ی قضا و قدر و حل اشکال 69

آیا توکل انسان مؤمن و یا جامعه ی ایمانی به خداوند، مانع تلاش و کوشش برای رسیدن به وضعیّت بهتر نیست؟ 72

فصل دوم: زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه 6

فصل سوم: بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه 6

فصل اول: 4

تعاریف و مباحث زیربنایی 4

چند تعریف از توسعه: 6

تعریف نهایی و مورد نظر، از توسعه: 7

ویژگی های مورد نظر: 7

تعریف نهایی و مورد نظر از توسعه اقتصادی 7

توسعه اقتصادی در اسلام، یک هدف است یا وسیله؟ 8

آیا توسعه اقتصادی همراه با تکنولوژی پیش رفته و مدرن، با ارزش های اخلاقی ناسازگار است؟ 10

تحلیل و بررسی مطلب: 10

آیا می توان با پای بندی به ارزش های اخلاقی، به توسعه که بر دنیا طلبی، انباشت سرمایه و سودگرایی شخصی استوار است دست یافت؟

12

مبانی فرهنگی لازم برای توسعه اقتصادی چیست؟ 13

الگوی توسعه در کشورهای غربی، چه عواقب و پیامدهای منفی و مثبتی را به همراه داشته است؟ 17

پیامدهای منفی توسعه با الگوی غرب 19

برخی با مطرح کردن تفکر عدم سازش علم با دین، جدایی دین از سیاست (سکولاریزم) را، راه دست یابی به توسعه می دانند؛ علت

پیدایش این تفکر چیست و چه ارتباطی با توسعه دارد؟ 23

تعریف سکولاریزم 25

ریشه های تاریخی سکولاریزم 25

زمینه های اجتماعی و فرهنگی توسعه 32

آیا اسلام موافق و مشتوق توسعه است؟ کدام مفاهیم اسلامی توسعه را تسهیل و ترغیب می کنند؟ .Error! Bookmark not defined

اهمیت عزت جامعه ی اسلامی .Error! Bookmark not defined

برتری و عزت جامعه ی اسلامی چه نقشی در جهت دست یابی به توسعه ی مورد نظر اسلام دارد؟ 32

نظر اسلام نسبت به کار و تلاش به عنوان یکی از عوامل تولید چیست؟ و چه محدودیت هایی برای آن قایل است؟ 35

منع افراط و تفریط در کار: 38

ملاحظه می شود که در جوامع اسلامی، امر تولید و نیز سایر عرصه های اقتصادی، از اتقان لازم برخوردار نیست، که این امر، به نحوی به

انضباط اقتصادی و تولیدی لطمه می زند؛ توصیه ی اسلام به مسلمانان در این موارد چیست؟ 39

اهتمام به نظم و انضباط 40

آثار اقتصادی وجود نظم 41

فصل سوم: 47

بررسی مفاهیم به ظاهر ناسازگار با توسعه 47

آیا دیدگاه اسلام نسبت به دنیا و آخرت - که دنیاطلبی را نفی و آخرت گرایی را ترویج می نماید - یکی از موانع رسیدن جوامع اسلامی به

توسعه و پیش رفت مادی نیست؟ 47

از نظر اسلام، کدام دنیاطلبی ممنوع است؟ 52

شاخص های دنیاطلبی و آخرت خواهی 54

آیا تأکید بر زهد، قناعت و صرفه جویی، مانع رسیدن به توسعه ی اقتصادی است؟ 57

توهم ناسازگاری زهد و قناعت با توسعه 58

زهد و بهره مندی از نعمت ها 58

رابطه ی زهد و قناعت با توسعه 60

زهد و قناعت، عامل تسريع توسعه 61

الگوی مصرف ایده آل از نظر اسلام چه ویژگی هایی دارد؟ 62

مصرف ایده آل از نظر اسلام 65

آیا اعتقاد به قضا و قدر در میان مسلمانان، مانع رسیدن آنان به پیش رفت های مادی نیست؟ 67

مفهوم دو واژه ی قضا و قدر و حل اشکال 69

آیا توکل انسان مؤمن و یا جامعه ی ایمانی به خداوند، مانع تلاش و کوشش برای رسیدن به وضعیت بهتر نیست؟ 72

تحلیل و تعریف مفهوم توکل 73

طرح اشکال: 75

پاسخ: 75

آیا مفهوم رایج رزق مقسوم و اعتقاد به این که روزی هر کس از پیش تعیین شده است، باعث از دست رفتن انگیزه برای دست یابی به تولید بیش تر و رشد و توسعه نیست؟ 76

معنای رزق و رزاقیت الهی 77

تضمین رزق و تلاش و کوشش انسان 78

بررسی روایاتی در بحث 79

آثار ارزنده ی اعتقاد به رزق مقسوم در فرایند توسعه 80

آیا اعتقاد به جاودانگی قوانین اسلام، مانع هماهنگی با مقتضیات زمان و رسیدن به پیش رفت های مادی و حرکت در مسیر رشد و ترقی نیست؟ 81

هماهنگی با مقتضیات زمان از نظر اسلام 83

اجتهاد و نقش زمان و مکان در آن 85

کتابنامه 87

ص: 95

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

